

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللهم دلنا على الحق والهدى وحل فرجهم

هویت ملی، زبان و ادب فارسی

«مجموعه نشست‌های اندیشکده ادبیات پایداری»

نشست دوم





هویت ملی، زبان و ادب فارسی

«مجموعه نشست های اندیشکده ادبیات پایداری»

نشست دوم

زیر نظر: معاونت علمی اندیشکده ادبیات پایداری

۱۳ مرداد ۱۴۰۰ - سالن طاهره صفارزاده، حوزه هنری

ویراستار: زهرا طاووسی منفرد

طراح گرافیک و صفحه آرا: علیرضا دانا

طراح جلد: سیدایمان نوری نجفی

چاپ، صحافی و لیتوگرافی: صدف

چاپ اول: ۱۴۰۲

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۶۲-۱۴-۸

شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۶۲-۱۹-۳

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشته پلاک ۲۳

صندوق پستی: ۱۴۴-۱۵۸۱۵

تلفن: ۶۱۹۴۲ سامانه پیامک: ۳۰۰۰۵۳۱۹

تلفن مرکز بخش: (بیش خط) ۶۶۴۶۰۹۹۳ فکس: ۶۶۴۶۹۹۵۱

نقل و چاپ نوشته ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

فهرست

پیش گفتار | ۷

معرفی سخنران (دکتر مسعود کوثری) | ۱۱

بخش اول | ۱۵

سخنی کوتاه (دکتر محمدرضا سنگری) | ۱۵

مقدمه | ۲۱

هویت از نظر هگل و کانت | ۲۲

عناصر هویت | ۲۴

خلق جهان در آثار ادبی | ۳۳

جمع‌بندی (دکتر محمدرضا سنگری) | ۳۵

منابع | ۳۷

معرفی سخنران (دکتر مهدی سعیدی) | ۳۹

بخش دوم | ۴۱

مقدمه | ۴۱

جایگاه «هویت» در ادبیات داستانی و جامعه‌شناسی | ۴۲

سیر تاریخی هویت ملی و هویت ایرانی | ۴۶

روایت‌ها دربارهٔ هویت ایرانی | ۴۸

سیر تاریخی هویت ایرانی | ۵۱

مرحلهٔ بنیادین بازسازی هویت ایرانی یا ساخت اولیهٔ

هویت ایرانی: عهد ساسانیان | ۵۲

مرحلهٔ سکون و رکود هویت ایرانی (دو قرن اول هجری) | ۵۴

مرحلهٔ تجدید حیات (دورهٔ حکومت‌های محلی ایرانی

همچون طاهریان، صفاریان و سامانیان) | ۵۵

مرحلهٔ حکومت سلجوقیان | ۵۸

مرحلهٔ حکومت ایلخانان مغول | ۶۰

مرحلهٔ حکومت صفویان | ۶۲

مرحلهٔ جدید (دو قرن اخیر) | ۶۴

جمع‌بندی (دکتر محمدرضا سنگری) | ۶۹

پرسش و پاسخ | ۷۰

منابع | ۷۵

فهرست اعلام | ۷۹

پیش‌گفتار

زیست انسانی مواجهه دائم با وجودها (هست‌ها یا بوده‌ها) و پرسش از هویت (چیستی یا نموده‌ها) است. هویت یا چیستی، شاخه‌هایی چون هویت دینی، هویت اجتماعی، هویت سیاسی و هویت ملی دارد و هویت ملی خود با سازه‌هایی (عناصری) چون ارزش‌های فرهنگی، دینی، تاریخی، اجتماعی و زبانی سامان می‌یابد. زبان و ادبیات فارسی یکی از مهم‌ترین سازه‌های هویت ملی ماست؛ این زبان و ادبیات پیوندگاه نسل‌های گذشته با امروز و آینده است؛ اگر زبان و ادبیات را حفظ نکنیم نسل‌هایی گسسته را ناظر و شاهد خواهیم بود. پاسداشت زبان و ادبیات فارسی تنها پاسداشت هویت نیست که موجودیت و هستی ما نیز گره خورده با این زبان و ادبیات است و زبان، ظرف فرهنگ و حامل میراث عظیم فرهنگی و ثروت ملی ادبی ماست که بی آن فرهنگ امروز و فردای ما سترون

و ابتر خواهد بود.

زبان فارسی تنها زبانِ زندهٔ کلاسیک دنیاست که امروزش، دیروزش را همراه دارد؛ این زبان عامل وحدت، یگانگی و یکپارچگی ماست و نگاهیانی از آن و پایداری در برابر هر آنچه آن را از درون و بیرون تهدید می‌کند، راهی برای نگاهداشت یگانگی و پیوند اقوام ایرانی است. زبان و ادبیات فارسی قدسیت‌بنیان نیز هست، یعنی گره‌خوردگی استوار با وحی دارد. ادبیات تعلیمی، ادبیات عرفانی، ادبیات حماسی، ادبیات داستانی و حتی ادبیات بزمی ما پیوسته با آموزه‌ها و ارزش‌های وحیانی است، همین است که می‌توان گفت یکی از سازه‌های هویتی زبان و ادبیات فارسی با هم‌آیی و تلفیق دین و ملیت است.

ظرفیت شگفت و شگرف زبان شیرین فارسی به سبب «وند»‌پذیری و ترکیب‌سازی و ادبیات فارسی به سبب انعطاف فرهنگی و غنای درون‌مایه، امروز و همیشه می‌توانند پاسخگوی نیازهای علمی و فرهنگی جامعه باشند.

نیاز به شناخت رابطه و پیوند هویت ملی، زبان و ادب فارسی، اندیشکدهٔ ادبیات پایداری حوزهٔ هنری انقلاب اسلامی را برانگیخت تا مجموعه نشست‌هایی را در این زمینه با بهره‌گیری از اندیشه‌وران و صاحب‌نظران تدارک ببیند. در این نشست‌های علمی، زبان‌شناسان و ادب‌پژوهان، نسبت میان این دو مقوله را کاویده و شناسانده‌اند و معلوم است که ره‌آورد این پژوهیدن‌ها و کاویدن‌ها گرچه همسان

و هم‌تراز نیست، اما چشم‌اندازهایی تازه و بدیع را فراروی ما می‌گشاید.

با قدرشناسی و سپاس از استادانی که در نشست‌های «نُه‌گانه» «هویت‌ملّی و زبان و ادبیات فارسی» اندیشکدهٔ ادبیات پایداری را یاری نمودند، بخشی از این نشست‌ها به نگاه ژرف‌کاوانه و نقادانهٔ خوانندگان و خوانندگان سپرده می‌شود. بی‌تردید نقد و نظرها راهنما و راهگشای آینده خواهد بود.

دکتر محمدرضا سنگری
رئیس اندیشکدهٔ ادبیات پایداری



معرفی سخنران

دکتر مسعود کوثری (متولد ۱۳۴۳ش) دارای دکتری جامعه‌شناسی از دانشگاه تربیت مدرس، پژوهشگر حوزه ارتباطات، فرهنگ، موسیقی، توسعه و استاد گروه ارتباطات اجتماعی دانشگاه تهران است. وی در سال ۱۳۸۳ برندهٔ جایزهٔ بهترین مقالهٔ فرهنگی با عنوان «نشانه‌شناسی موسیقی مردم‌پسند» از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شد. فعالیت‌ها و سوابق اجرایی ایشان عبارتند از: مدیر کل پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت ارشاد، رئیس کتابخانهٔ دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران، معاون مؤسسهٔ مطالعات آمریکای شمالی و اروپا، عضو کمیتهٔ ارتباطات و فرهنگ شورای عالی انقلاب فرهنگی، معاون کمیتهٔ علوم اجتماعی و روانشناسی دفتر تحقیقات کاربردی معاونت پژوهشی دانشگاه تهران، نایب رئیس انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات، عضو گروه ارتباطات

اجتماعی گروه واژه‌گزینی، عضو شورای تخصصی و علمی مرکز موسیقی حوزه هنری، عضو شورای عالی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی جشنواره‌های فرهنگی، قرآنی و رسانه‌ای، عضو شورای سیاست‌گذاری روابط عمومی و اطلاع‌رسانی، مدیر گروه آموزشی ارتباطات اجتماعی و مدیرعامل انتشارات علمی و فرهنگی.

برخی از کتاب‌ها و مقالات ایشان عبارتند از:

- رهیافت و روش در علوم سیاسی، عباس منوچهری، محمدرضا تاجیک، سیدعلیرضا حسینی بهشتی، مسعود کوثری، سیدصادق حقیقت، سیدمحمود نجاتی حسینی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۰.

- کاربرد تحلیل عاملی در پژوهش اجتماعی، جا. ان کیم، چارلز و. مولر، مسعود کوثری (مترجم)، تهران: سلمان، ۱۳۷۸.

- اطلس ایران: اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی، محمود طالقانی، مسعود کوثری، گی بورژل، علی گلی، تهران: معین، ۱۳۸۴.

- انقلاب اسلامی، جامعه و دولت (مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران)، سیدمحمود نجاتی حسینی (ویراستار)، مسعود کوثری (ویراستار)، تهران: کویر، ۱۳۸۷.

- یازدهم سپتامبر و چالش‌های جهانی، رسول حسین‌لی، مسعود کوثری، تهران: آن، ۱۳۸۱.

بخش اول / سخنران: دکتر مسعود کوثری | ۱۳

- نظریه‌های آنومی اجتماعی، مسعود کوثری، تهران: سلمان، ۱۳۸۶.

- درآمدی بر موسیقی مردم‌پسند، مسعود کوثری، تهران: دریاچه نو، ۱۳۹۲.

- بازاندیشی در فرهنگ مردم‌پسند، چاندرا موکرژی، مایکل شودسون، شهناز شفیع‌خانی (مترجم)، مسعود کوثری (مقدمه و ویرایش علمی)، تهران: سلمان، ۱۳۸۹.

- تهران از چشم اندازهای فرهنگی اجتماعی: برنامه‌ریزی برای ترسیم چشم‌اندازهای فرهنگی و اجتماعی تهران آینده، سید محمود نجاتی حسینی (به اهتمام)، مسعود کوثری (به اهتمام)، تهران: شهر تهران (وابسته به سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران)، مؤسسه نشر شهر، ۱۳۹۰.

- دانشنامه بین‌المللی ارتباطات، گروه مؤلفان و مترجمان، تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۰.

- نقاب نقد: چستی نقد ادبی در ایران، در گفت و گو با کریستف بالایی، عنایت سمیعی، مراد فرهادپور، مدیا کاشیگر، مسعود کوثری، حسن میرعابدینی و دیگران، شاهرخ تندرو صالح (تهیه و تنظیم)، تهران: چشمه، ۱۳۸۳.

- ادبیات جنگ و موج نو (مباحثی پیرامون روش شناختی نقد ادبیات جنگ در ایران)، تهران: فرهنگسرای پایداری، ۱۳۸۲.

بخش اول

سخنی کوتاه (دکتر محمدرضا سنگری، رئیس اندیشکده ادبیات پایداری)

بسم الله الرحمن الرحيم، «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ،
وَوَضَعْنَا عَنكَ وَزْرَكَ، الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ، وَرَفَعْنَا لَكَ
ذِكْرَكَ، فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا، إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا، فَإِذَا فَرَغْتَ
فَانْصَبْ، وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَب»^۱ سلام و صلوات برخاسته
از جان ما تقدیم به محضر همه پاکان، پارسایان، پاک‌بازان،
پارسی‌گستران و شما استادان عزیز و بزرگوار که در این
روز خجسته، روز مباهله، توفیق داریم که دومین نشست
«هویت ملی زبان و ادب فارسی» را در محضر شما
در مجموعه اندیشکده ادبیات پایداری برگزار کنیم. از
دوستان خوب و بزرگوارم که زمینه‌ساز چنین نشستی
شدند به‌ویژه از دو استاد عزیز و بزرگوار جناب آقای
دکتر مسعود کوثری و جناب آقای دکتر مهدی سعیدی که

۱. انشراح (۹۴): ۱-۸.

دعوت ما را قبول کردند، بسیار سپاسگزارم. از دوستان اجازه می‌خواهم به صورت مختصر مباحث نشست اول را مطرح کنم تا شاید یاریگر سخنرانان در طرح بحث‌ها و احیاناً پاسخگویی به پرسش‌های مطرح شده در نشست گذشته باشند.



نشست اول را در محضر استادان گرامی جناب آقای دکتر محمود بشیری، دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی به عنوان سخنران اول و جناب آقای دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به عنوان سخنران دوم بودیم.

آقای دکتر محمود بشیری ابتدا به تعریف هویت پرداختند. ایشان هویت را در مقابل غیر قرار دادند؛ یعنی - چه دوست و چه غیر دوست - هر آنچه که غیر از ماست. سپس به ویژگی‌های هویت ایرانی اشاره کردند که شامل: ۱. هضم‌کنندگی، یعنی ایران و هویت ایرانی هویت مهاجم

را در خودش حل کرده و رنگ و صبغه خودش را به آن می‌دهد. ۲. گیرندگی و پرورندگی، یعنی فرهنگ مهاجر یا مهاجم را رشد و تعالی می‌دهد و گاهی تلطیف می‌کند و مصادیق آن را بحث کردند. ۳. هویت تلفیقی، یعنی هویت ایرانی تلفیقی از دین و ملیت را با هم دارد.

دکتر بشیری سپس ابعادی از هویت ادبی ما را که شامل: عدالت و دادگری، خرد و خردمندی و سخن نیک است، طرح کردند و به تاریخچه‌ای از بحث ادبیات فارسی پرداختند. وی به نخستین طلعه‌های هویت‌بخش ادبیات فارسی در عصر سامانیان اشاره ویژه‌ای کردند و بر روی شاهنامه فردوسی متمرکز شدند و عمده بحثشان در این زمینه بود. در نهایت دکتر بشیری ادبیات دوره هشت‌ساله جنگ یا دفاع مقدس را به دو بخش تقسیم کردند: الف) ادبیات دفاع مقدس که شامل هرآنچه که در هشت سال جنگ یا دفاع مقدس بوده است، و ب) ادبیات پایداری.

اما سخنران دوم جناب آقای دکتر حسینعلی قبادی، در ابتدای بحث خود، دو دسته پرسش را پیش روی ما قرار دادند. این پرسش‌ها به زایش ذهنی و زمینه‌سازی برای پاسخگویی احتمالی در بستر بحث یا فرآیند گفتگو پرداخته است.

دسته اول پرسش‌ها تحت عنوان «پرسش‌های آغازین و عام» شامل: تعریف، نقش و کارکرد هویت و... بود و دسته دوم «پرسش‌های ثانوی و خاص» که شامل این‌گونه

پرسش‌ها بود: چگونه یک هویت زنده است؛ یعنی برای زاینده‌گی، زندگی و پایداری عنصر هویت چه باید بکنیم؟ آیا هویت امری ثابت است یا سیال؟ آیا هویت امری پیشینی است یا پسینی؛ یعنی آیا هویت دارای آبشخور است یا خودش چشمه است و می‌جوشد؟ هویت یگانه است یا ترکیبی و تلفیقی؟ زاینده‌گی و بالنده‌گی هویت در کجاست؟ و آیا هویت بدون جغرافیا، تاریخ و معرفت می‌تواند کارآمد باشد؟

البته سؤالاتی که ایشان مطرح کردند شاید مجال پاسخ به همه آن‌ها پیدا نشد و تنها تلنگری به ذهن مخاطب زده شد که به این سؤالات فکر کند، یا شاید ایشان مسئول پاسخ به این سؤالات را مجموعه اندیشکده ادبیات پایداری می‌دانستند.

دسته دوم پرسش‌هایی که آقای دکتر قبادی مطرح فرمودند تحت عنوان «پرسش‌های ثانوی و خاص» بیشتر به حوزه ادبیات امروز، ادبیات انقلاب و دفاع مقدس مربوط می‌شد. سؤالاتی از قبیل اینکه آیا نسبت هویت در تاریخ دفاع مقدس از هویت در انقلاب اسلامی جداست؛ یعنی این‌ها را باید دو مقوله بدانیم یا احیاناً ادبیات جنگ و دفاع مقدس را باید ادامه ادبیات انقلاب بدانیم و آن‌ها را جزئی ناگزیر یا جدایی‌ناپذیر از هم به‌شمار آوریم؟ چه نسبتی بین دفاع مقدس، فرهنگ و تاریخ معرفت ما وجود دارد؟ ادبیات دفاع مقدس از منظر معرفت و هویت

اسلامی - ایرانی چگونه باید تحلیل شود؛ به عبارت دیگر، نسبت میان ادبیات دفاع مقدس و هویت ایرانی و اسلامی چیست؟ آیا مجازیم از هویت ادبیات دفاع مقدس سخن بگوییم تا زمانی که شاهکاری در این زمینه خلق نکرده‌ایم؟ شاید پشت این پرسش یک اعتراض پنهان نهفته باشد یا یک نظرگاه تا بتوانیم آن را دریابیم، و آن اینکه آیا اصلاً ما شاهکاری داشته‌ایم؛ یعنی اثری درخشان و قابل عرضه در سطح جهانی داشته‌ایم یا نه؟

سپس ایشان بحث را به سمت شاهنامه سوق دادند و پنج عنصر در رفتار رستم و اسفندیار مطرح کردند که در تقابل با یکدیگر بودند و پرداختن به آن‌ها جزئی از مباحث مطرح شده نیز بود. دکتر قبادی هشدارهایی را هم طرح کردند. ایشان متذکر شدند که باید میراث فرهنگی گذشته را بازیابیم؛ زیرا بزرگ‌ترین ضایعه برای ادبیات امروز همین گسستگی میان امروز و دیروز است. باید محققانه و جامع‌نگر به مسئله هویت و هویت ملی و هویت ادبی پرداخته شود. هویت منهای فرهنگ و زیباشناسی هرگز توفیقی نخواهد داشت و همچنین باید از شتابناکی و دستکاری در عالم هویت پرهیزیم. متأسفانه مجالی برای طرح مصادیق این مسأله پیدا نشد، و در نهایت بحث درباره‌ی شناسایی نهاد مردم در هویت‌شناسی جنگ مطرح شد. این خلاصه‌ای از بحث‌های جلسه‌ی نخست بود.



امروز توفیق داریم در محضر دو استاد عزیز و بزرگوار باشیم، جناب آقای دکتر مسعود کوثری که دارای آثار و تألیفات بسیار ارزنده‌ای هستند که به قلمرو هویت ملی و ادبیات پایداری بسیار نزدیک است. ایشان حدود چهارده کتاب تألیفی دارند و از ویژگی‌های آثار تألیفشان کار گروهی است؛ فرصتی که ما کمتر از آن بهره می‌بریم و این ویژگی را در کارهای جناب دکتر کوثری می‌بینیم، آثار ترجمه‌شده، همکاری با دیگران و نگارش مقالات متعدد از جمله فعالیت‌های ایشان است. صمیمانه از محضرشان سپاس‌گزاریم که دعوت ما را لبیک گفتند و امروز توفیق داریم که در خدمتشان باشیم.

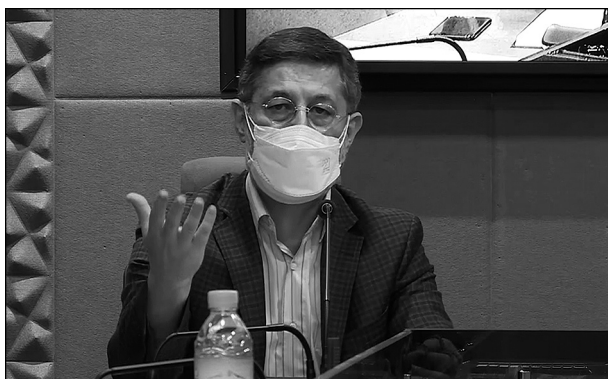
اما استاد عزیز دیگر جناب آقای دکتر مهدی سعیدی هستند که ایشان هم عمدتاً همکاری‌هایشان با مجموعه پژوهشگاه علوم انسانی جهاد دانشگاهی است و کارهای متعددی دارند، و به نظر می‌رسد تمرکز ایشان بیشتر در

حوزه ادبیات داستانی به خصوص حوزه ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس است. آثار بسیار خوب و ارزنده‌ای از ایشان منتشر شده که من حدود پانزده اثر از آن‌ها را دیده‌ام. بعضی از کارهای جناب آقای دکتر سعیدی هم با همکاری دوستانی در مجموعه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی صورت گرفته است. ایشان جوایز ارزشمندی در کارنامه علمی خود دارند، و مسئولیت کارهای داوری، ویراستاری و... را هم بر عهده داشته‌اند.

هم‌اینک از محضر جناب آقای دکتر کوثری استفاده می‌کنیم.

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم، از دوستان و همکاران محترم حوزه هنری برای این سخنرانی سپاسگزارم. در خلاصه گزارش جلسه نخست این نشست همان‌طور که به سمع و نظر دوستان رسید، به نظر می‌رسد که لفظ «هویت» یک اشتراک لفظی شده و ممکن است در مباحثی که در این جلسات پیگیری می‌کنیم ما را به سویه‌های مختلف بکشاند. بی‌گمان معنای این‌که آیا ما یک شاهکار داریم که هویت پیدا کند، با معنای هویت جمعی و هویت ملی تفاوت دارد؛ یعنی معنای هویت کاربردهای متفاوتی دارد. بنابراین به نظر باید در مسیر گفتگو تدقیق کنیم که از هویت چه منظوری داریم و چه چیزی را می‌خواهیم دنبال کنیم.



نکته بعدی که باید بدان اشاره کنم این است که هویت را می‌توان از مناظر مختلف نگاه کرد. این‌که ما از کدام منظر یا دیدگاه به این بحث نگاه کنیم مسیرهای تحقیقی و جواب‌های مختلفی پیش روی ما گشوده خواهد شد. برای مثال، از یک منظر می‌توانیم بگوییم آیا هویت ملی و هویت جمعی یک وظیفه است؟ اگر از این منظر به هویت نگاه کنیم در واقع بحث رسالت ادبیات پیش می‌آید و اینکه آیا ادبیات رسالتی دارد تا هویت جمعی را بیان کند و در راستای آن اقدام کند یا رسالتی ندارد؟ من بسیار کوتاه به این دیدگاه می‌پردازم و بعد دیدگاه و منظر دیگری را بیان می‌کنم که نکته اصلی بحثم در آنجا است.

هویت از نظر هگل و کانت

دوستانی که در این جلسه حضور دارند شاید سال‌ها راجع به این موضوعات فکر کرده‌اند و طبیعتاً به پاسخ‌هایی

هم رسیده‌اند حتماً مطالعاتی هم در این حوزه داشته‌اند که آیا ادبیات رسالت و تعهدی دارد یا خیر؟ پاسخ به این سؤال طبیعتاً پایگاه‌های فکری مختلف را آشکار یا پنهان نشان می‌دهد. گروهی معتقدند که اصلاً ادبیات بدون تعهد کاربردی ندارد و در مقابل گروهی تعهد ادبیات را به این شکل قبول ندارند. اگر بخواهیم به گذشته و بنیان‌های فلسفی این کشمکش نگاه کنیم به یک دعوای هگلی - کانتی می‌رسیم.

هگل^۱ بیشتر ادبیات و هنر متعهد را مطرح کرده است و به‌طور طبیعی رسالتی برای هنر قائل شده است و این رسالت همان انتقال مفهوم است. در سیستم فلسفی هگل، هنر می‌تواند برخلاف تقسیم‌بندی‌های فیلسوفان گذشته، «مفهوم» را منتقل کند و بنابراین رسالت و تعهد دارد. بعدها کتاب‌ها و دیدگاه‌های ادبی زیادی از این سخن هگل نشأت گرفتند.

در مقابل، دیدگاه کانت^۲ وجود دارد که از آن ایده هنر برای هنر به‌وجود آمده است. ادعای کانت که از یک منظر

۱. گئورگ ویلهلم فریدریش هگل (۱۷۷۰-۱۸۳۱م) یکی از بزرگترین فیلسوفان آلمانی است که با اندیشه و فلسفه خود، تغییراتی بنیادین در افکار پس از خود ایجاد کرد. بسیاری از پژوهشگران عقیده دارند که تمامی مکاتب فلسفی عمده در قرن بیستم مانند اکزیستانسیالیسم، مارکسیسم، پدیدارشناسی و فلسفه تحلیلی، از دل واکنش علیه هگل و فلسفه او بیرون آمده‌اند.

۲. امانوئل کانت (۱۷۲۴-۱۸۰۴م) یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان زمان خود بود که انقلابی بزرگ در فلسفه جدید به‌وجود آورد. بنیان کار او بر عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی بود. او با ترکیب این دو اصل با یکدیگر، کتاب‌هایی را نوشت که حتی امروزه نیز کاربرد و طرفداران بسیاری دارند.

درست به نظر می‌آید در حقیقت این است که «علم» می‌تواند «مفهوم» را منتقل کند و هنر نمی‌تواند با مفهوم سروکار مستقیم داشته باشد. از نظر کانت هنر می‌تواند چیزی را منتقل کند ولی این‌که آن چیز چیست و مطابق با آن چیزی است که طراحی شده پذیرفتنی نیست؛ یعنی انتقال مفهوم را مدعای اصلی علم می‌داند.

به هر صورت بحث «هویت» به این دو دیدگاه برمی‌گردد و اینکه آیا ما اعتقاد به تعهد هنر و ادبیات داریم یا نه و تا به کجا؟

موضع ما در پاسخ به این سؤال مشخص می‌شود. موضع من یک موضع «پساکانتی» است. بدین صورت که معتقدم یک رابطه عمیقی بین فرم و محتوا وجود دارد و اگر هنر و ادبیات نتواند به آن رابطه دست پیدا کند، موفق نخواهد بود. بنابراین موضع من یک موضع هگلی - کانتی است که هم تعهدی برای ادبیات قائل است و هم معتقد است که این تعهد محدودیت‌هایی دارد.

عناصر هویت

نکته دوم در مورد «هویت ملی» است. جامعه‌شناسان در مورد «هویت ملی» بسیار سخن گفته‌اند و من نمی‌خواهم در اینجا نظریه‌ها و دیدگاه‌های آن‌ها را مطرح کنم. من دو عنصر برای «هویت» قائل هستم که در اینجا بدان‌ها می‌پردازم.



هویت دارای دو عنصر «تعلق» و «تصور» است. در مورد عنصر تعلق بسیار سخن گفته شده است و در ادبیات جامعه‌شناسی حس «تعلق» را عنصر کلیدی و کانونی «هویت» می‌دانند؛ طبیعی است که بدون این حس سخن از «هویت» بی‌معناست. بنابراین می‌توانیم فرض کنیم که در آثار ادبی و هنری بزرگی که خلق شده، این حس تعلق، یا به هر عنوان دیگری مثل: مام میهن، وطن، زادگاه، ملیت و... وجود دارد.

حال اجازه می‌خواهم در مورد عنصر «تصور» کمی بیشتر سخن بگویم؛ زیرا معتقدم هنر و ادبیات اگر به این حس «تصور» نرسد زایا نمی‌شود و ابر باقی می‌ماند. یعنی اگر تنها عنصر «تعلق» در آن باشد تبدیل به یک شعار و محتوایی می‌شود که آن را می‌توان به هر شکلی بیان کرد و این اثر به آن لحظه ناب هنری و ادبی خود نخواهد رسید. حالا به تفاوت دیدگاه هگل و کانت برمی‌گردیم. در

اینجا مثالی می‌زنم که شاید برای شما آشنا باشد. عنصری به نام «غرب وحشی» وجود نداشت، این تصویر از غرب را جان فورد^۱ در آثار سینمای اش خلق و تصور کرده است. بعد از دیدن این آثار تورهای بازدید غرب آمریکا به راه افتاد. آمریکایی‌ها به غرب رفتند تا ببینند دنیای وسترن، هفت تیرکشی با آن کافه‌ها کجای آمریکا است. بعد دیدند غرب به شکلی که جان فورد تصور کرده، وجود خارجی ندارد. خالق این «غرب وحشی» کسی جز جان فورد نبود، غرب وحشی به آن شکل وجود نداشت، در عوض غرب آمریکا مسائلی داشت که اتفاقاً در سینمای هالیوود و سینمای آمریکا و جان فورد ظهور پیدا نکرده بود. آن شکلی که فورد به غرب وحشی داده، تصورش است؛ یعنی خلق آن جهان خاص فیلمساز. می‌خواهم بگویم که اثر ادبی باید بتواند آن جهان خاص خودش را خلق کند، اگر آن جهان را نتواند تصور و خلق کند، هر چقدر هم که قدرت تکنیکی داشته باشد و هر چند اثری مفصل یا کوتاه و یا متعهد باشد باز هم آن اثر نمی‌تواند به منزله یک

۱. جان فورد (John Ford) (۱۸۹۴ - ۱۹۷۳م) از کارگردان‌های صاحب نام سینمای آمریکا که به‌خاطر ساختن فیلم‌های بزرگ و معروفی چون: دلچان، جویندگان، چه سر سبز بود دره من، مردی که لیبریتی والانس را کشت، مرد آرام، و همچنین به تصویر درآوردن رمان‌های کلاسیک آمریکایی چون خوشه‌های خشم اثر جان اشتاین‌بک شهرت جهانی یافته است. فورد با بردن چهار بهترین کارگردانی از مجموع پنج نامزدی، در این بخش رکورددار است. سبک فیلم‌سازی این کارگردان بزرگ آن‌چنان تأثیر عمیقی بر سینمای جهان داشته است، و به‌راستی در ساختن وسترن استاد بود. کارگردانی را در سال ۱۹۲۱م. آغاز کرد و تا پایان زندگی بیش از پنجاه فیلم ساخت که بیشتر آن‌ها وسترن بودند.

اثر هویتی باقی بماند. بنابراین به نظر من عنصر «تصور»
عنصری کلیدی است.



حال این عنصر «تصور» چگونه عمل می‌کند؟ عنصر
تصور به دنبال این است که چه موجودات و عناصری
در جهان ما هستند و ما چه رابطه‌ای با این عناصر داریم؟
نمی‌خواهم از لفظ قدیمی «جهانبینی» استفاده کنم، که
به نظرم مفهوم جهانبینی کمی مظلوم واقع شده است و
اگر در این مفهوم یک بازنگری شود متوجه می‌شویم که
جهانبینی تصور یک جهان است. پس در این جا لحظه
تولد ادبیات و هنر لحظه‌ای است که بتواند جهان خودش
را متصور شود، جهانی را که به اصطلاح در درون خودش
خلق کرده است. به‌طور طبیعی این جهان خلق شده،
عناصری را در درون و بیرون خود دارد و با عناصری در
رابطه است و یا روابط مخالف دارد، یعنی رابطه‌ای بین
«من» و «دژمن» دارد. کلمه «دژ» در زبان استادان ادبیات

هم به کار می‌رود، کلماتی مثل دژکام، دژخو و... این واژه «دژمن» تبدیل به «دشمن» شده است، یعنی غیر من، آن کسی که خلاف من است.

پس عنصر «تصور» یک عنصر هویت‌ساز است و می‌تواند عنصری کلیدی در خلق یک اثر ادبی و یا در هر نوع و ژانری باشد. برای مثال در ادبیات طنز عزیز نسین^۱ به یک شکل جهان‌تُرک را تصور کرده و اورهان پاموک^۲ به شکل دیگری آن را به تصویر کشیده است. اورهان پاموک در کتابش استانبول، تصویری از شهر استانبول را برای ما خلق می‌کند؛ تصویری از یک جهان کامل با زوایای مختلف پیدا و پنهان و با رمز و راز که در ادامه استانبولِ امپراتوری عثمانی است. البته به گرایش‌های سیاسی این نویسنده

۱. محمد نُصرت معروف به عزیز نسین (۱۹۱۵ - ۱۹۹۵ م.) طنزپرداز و نویسنده شناخته‌شده ترک است که بیش از ۱۰۰ کتاب از او برجای مانده و آثارش به بیش از ۳۰ زبان ترجمه شده‌اند. دیدگاه‌های سیاسی او منجر به چندبار به زندان رفتنش شد. بسیاری از آثار نسین به هجو دیوان‌سالاری و نابرابری‌های اقتصادی در جامعه وقت ترکیه اختصاص دارند. وی در میان قشر کتابخوان ایرانی نویسنده‌ای شناخته‌شده است چرا که بسیاری از آثارش توسط روشنفکران ایرانی همچون ثمین باغچه‌بان، احمد شاملو، صمد بهرنگی و رضا همراه به فارسی ترجمه و به خوانندگان فارسی‌زبان معرفی گردیده است. زبان طنز، انتخاب هوشمندانه موضوع و نقد اجتماعی نسین باعث توجه ایرانیان به آثارش شد. از داستان‌های تحسین‌شده او در ایران می‌توان به پخمه و خاطرات یک مرده اشاره کرد.

۲. فرید اورخان (اورهان) پاموک نویسنده، فیلم‌نامه‌نویس و رمان‌نویس (متولد: ۱۹۵۲ م.) است. اورهان پاموک نخستین نویسنده ترک‌زبان است که موفق به دریافت جایزه نوبل ادبیات شده است. شهرت پاموک در ایران بیشتر به سبب قلم روان و دلنشین در آثار ماندگارش است. اورهان پاموک در کارنامه ادبی خود هفده رمان و شش اثر غیر داستانی دارد. از جمله: استانبول، شهر و خاطرات، موزه معصومیت، برف، نام من سرخ و...

کاری نداریم، اما در این کتاب تصویر امپراتوری عثمانی را به زیبایی نشان می‌دهد. حتی وقتی کتاب را می‌خوانید به یاد عکس‌های سواحل قدیمی ترکیه و استانبول می‌افتید، جاهایی که کاخ‌های قدیمی سلاطین عثمانی آن‌جا بودند؛ یا مثلاً دنیایی که دانته در کمدی الهی^۱ خود خلق کرده است. یا حتی فردوسی که در نشست قبل مفصل درباره‌اش سخن گفته شد نکته قابل تأمل این است که اهمیت فردوسی به زبانش برنمی‌گردد. فردوسی زبان فارسی را ارتقا داده، ثبت و ضبط کرده است. بنابراین به عنوان یک میراث تداوم پیدا کرده چنانچه دانته در کمدی الهی زبان ایتالیایی را ثبت و ارتقا داد. اهمیت فردوسی اتفاقاً در جهانی است که تصور کرده است؛ یعنی جهانی را خلق و در آن مرزها و خوی و خصلت‌های ایرانی و انیرانی را مشخص کرده است. این مهم‌ترین جنبه اثر فردوسی است که مرزهای هویتی ایرانی را با غیر ایرانی در شاهنامه تصور کرده است. در دیگر آثار مشابه نیز به همین صورت است.

اکنون می‌توان به سؤالی که دکتر قبادی در نشست قبل مطرح کرده بودند پاسخ داد. آن سؤال این بود: آیا هویت امری ثابت یا متغیر است؟ به نظر من هر دو آن درست است؛ یعنی لایه‌هایی از هویت لایه‌های ثابت و لایه‌هایی از هویت لایه‌های متغیری هستند و بنا به زمان تغییر می‌کنند.

۱. کمدی الهی، دانته آلیگه‌ری، ترجمه فریده مهدوی دامغانی، با مقدمه احمد مهدوی دامغانی، تهران: تیر، ۱۳۸۰.

اگر بخواهیم نگاه دقیق‌تری داشته باشیم ما با لایه‌های هویتی مواجه هستیم که این لایه‌ها از لحاظ زمان اجتماعی با هم فرق دارند، گاهی اوقات این لایه‌ها حتی حرف هم را نمی‌فهمند. چنانچه همه جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان از جامعه به عنوان یک کل یکپارچه سخن می‌گویند و ما نیز در روزمرگی‌هایمان از جامعه ایران، ملت ایران سخن می‌گوییم؛ اما می‌دانیم چیزی به نام ملت ایران خود دارای لایه‌های مختلفی است که حتی زمان‌های اجتماعی‌شان با هم فرق می‌کند. یعنی آن ملت حتی تصورشان از جهانی که در آن زیست می‌کنند گاهی اوقات فرسنگ‌ها با هم فاصله دارد، در صورتی که در یک جغرافیا زندگی می‌کنند و این جغرافیا ایران است. پس این لایه‌ها متفاوت است.



نکته دیگر این است که همیشه در مقابل هویت‌ها، «انتقاد و مقاومت» و حتی «هجو» وجود دارد. برای مثال همین عزیز نشین ضعیف‌ها و خصلت‌های نامناسب کشور

و مردم ترکیه را در آثارش بیان می‌کند؛ یعنی به عبارتی هجو می‌کند. این هجو عنصری است که همواره در کنار عنصر تصور وجود دارد. در آثار دیگر هم شما این هجو را می‌توانید ببینید؛ مثلاً رگه‌های ضعیفی از هجو را در آثار قدیم محمدعلی جمال‌زاده می‌توان دید. او در یکی از داستان‌های کتاب یکی بود یکی نبود به نام «بیله دیگ بیله چغندر»^۱ خو و خصلت و منش ایرانی را نقد می‌کند، یا مثلاً در آثار صادق هدایت هم می‌توان این هجو را دید. به هر حال، این هویت بخش‌های مقاومتی و هجوی هم دارد. بنابراین در اینجا سؤال این است که کدام یکی از این تصویرها بیانگر هویت است؟ کدام یک از آن‌ها از جهان واقعی دفاع و یا تعریف می‌کنند؟ خوب ما نمی‌توانیم به این پرسش پاسخ دهیم، در واقع می‌توانیم بگوییم که هر دو وجود دارند. به عبارت دیگر در مسئله هویت همواره تعارض گفتمانی وجود دارد؛ یعنی نمی‌توان با قاطعیت گفت کدام طرف تعریف درستی از «من کیستم» ارائه می‌دهد. بنابراین همیشه جای این حاشیه‌ها ممکن است تغییر کند. یک واژه در مطالعات نقد ادبی و بعدها در زیبایی‌شناسی وارد شده است، به نام «کانون»^۲ و «کانونیزیشن»^۳. در اینجا «کانون» از همان «قانون» عربی گرفته شده که بعدها

۱. «بیله دیگ بیله چغندر»، یکی بود یکی نبود، محمدعلی جمال‌زاده، تهران: بنگاه پروین، ۱۳۲۰، ص ۸۳-۱۰۰.

2. Canon.

3. Canonization.

هم در موسیقی راه پیدا کرده است. یک شیوه به اصطلاح نوشتن هست که به آن پلی فونی^۱ می‌گویند و در موسیقی و حقوق وارد شده و با یک فاصله‌ای در ادبیات و نقد ادبی هم وارد شده است که کانون شدن یعنی مشروعیت بخشیدن به اینکه کدام گفتمان، گفتمان اصل است. در واقع می‌توان گفت که حوزه هنری جایی است که نقش کانونیزه یا کانونی کردن ادبیات دفاع مقدس را دارد. یعنی می‌خواهد نشان دهد که این ادبیات وجود دارد، مشروع است، نیروی انسانی، کتاب، سابقه و حرفی برای گفتن دارد. ممکن است انجمن‌ها و یا گروه‌های دیگری هم وجود داشته باشند که مشغول کانونی کردن آن گفتمان‌های رقیب باشند. بنابراین این رقابت گفتمانی بر سر «هویت» همیشه وجود دارد که چه کسی از هویت سخن می‌گوید و کدام یک از تعاریف درست است؟ این گفتمان‌ها مانند تصاویر سه بعدی است که وقتی موقعیت مکانی خود را تغییر می‌دهید تصویر رنگ‌ها نیز تغییر می‌کند. «هویت» هم به همین شکل است. وقتی شما زاویه نگاهتان را تغییر دهید، وابستگی‌تان بدان گروه کانونی که هویت بخشی دارند تغییر خواهد کرد؛ یعنی ممکن است جزو گروه‌های محوری قرار بگیرید و یا گروه‌های مقاومت و هجو. این هجو را در ادبیات انگلیسی و نقد ادبی آبرونی^۲ می‌گویند. در گذشته این نگاه وجود

1. Polyphony.

2. Irony.

داشت، اما اسمی برای آن تعریف نشده بود مثل آثار عزیز نسین و یا جمال زاده و... چنانچه آغاز کتاب غرب زدگی^۱ جلال آل احمد آیرونیکی^۲ است، غرب زدگی مانند و بازدگی نوعی هجو خود است، حتی فصول ابتدایی کتاب در خدمت و خیانت روشنفکران^۳ نقد و هجو خود است. در واقع، «هجو» هم یک راه هویت یابی است؛ یعنی وقتی می‌گویند نیستیم، این یعنی هستیم و وجود داریم. بنابراین در این شکل هجوها به نوعی بحث‌های هویتی هستند که کمک می‌کنند هویت را تعریف کنیم.

خلق جهان در آثار ادبی

اگر به بحث اصلی خود برگردیم معتقدم که هویت دو عنصر دارد: «تعلق» و «تصور». این تصور جهان باید از یک مسیری عبور کند که به خلق آثار ادبی منجر شود. شهید آوینی یک تصور از جبهه خلق کرد. این تصور از جبهه را شاید خیلی از کسانی که جبهه رفته‌اند هم ندیده باشند. این تصور شهید آوینی است، با روایت و با تَن صدای خاص خود. آن صدا، خاص این روایت از جبهه بود. آن صدا جهان شهید آوینی را از جبهه خلق کرد و بسیاری این جهان را باور کردند، و به‌خاطر آن به جبهه

۱. غرب‌زدگی، جلال آل احمد، چاپ دوم با تجدید نظر، تهران: رواق، ۱۳۵۶، ص ۲۱.

2. Ironic.

۳. خدمت و خیانت روشنفکران، ج ۱، جلال آل احمد، تهران: بهروز، ۱۳۵۷.

رفتند. تعدادی هم این جهان را ندیدند، یعنی با اینکه در جبهه‌ها حضور داشتند اما آن را ندیدند. شهید آوینی این جهان را دید و خلق کرد. بنابراین تصویری خاص از جنگ را به ما نشان می‌دهد. هویت‌بخشی این‌جا اتفاق افتاده است. حتی می‌خواهم بگویم که «حوزه هنری» مدیون این تصور از جنگ است. شاید برخی از پژوهشگران این حوزه هنوز به دنبال این تصور و این جهان از جنگ هستند و پژوهش می‌کنند، قلم می‌زنند و کار تولید می‌کنند.

گام دوم از این تصور از جهان، «فشرده‌سازی» جهان است. در واقع هنرمند، ادیب، نویسنده باید بتواند این جهان را که دارای اجزای بسیاری است فشرده کند. این فشرده‌سازی اجزای جهان لاجرم آن را به سمت «نمادینه شدن»، یعنی گام سوم خلق اثر ادبی پیش می‌برد. باید بتوان آن را نمادینه کند و نمادینه کردنش قطعاً پای نویسنده را به جهان اسطوره و نمادها می‌کشاند.

جهانی که در یک اثر ادبی متولد می‌شود می‌تواند هویت یک گروه یا یک جامعه را، و نه فقط یک محتوای مشخص را بیان کند. رمان‌های مشهور ایرانی مانند کلیدر^۱ را نگاه کنید. این کتاب یک اثر جهانی است که محمود دولت‌آبادی آن را خلق کرده است. این جهان قطعاً بزرگ‌تر از آن جهان دولت‌آبادی و آن روستای کوچک سبزوار و مسائل روزمره این کتاب است اما دولت‌آبادی در این

۱. کلیدر، (۱۰ ج در ۵ مجلد)، محمود دولت‌آبادی، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۶۸.

اثر به جهان خود چنان هویتی بخشیده است که در واقع می‌توانیم بگوییم امروز آن‌جا تبدیل به یک جهان خاص شده است.

اینک باید بگوییم که اگر هویت رابطه بین من و غیر من است، ما برای چه کسی می‌نویسیم؟ آن غیر من چه کسی است؟ من فکر می‌کنم که این سؤالات را باید ادبیات دفاع مقدس یا ادبیات پایداری پاسخ دهد. پاسخ به این سؤالات سمت و سوی اثر ما را نیز تعیین خواهد کرد.

جمع‌بندی (دکتر محمدرضا سنگری)

کانون بحث دکتر کوثری دو سازه و یا دو عنصر برای هویت است:



یکی «تعلق» و دیگری «تصور» است. تصور ما از واژه «تصور» روشن شد و معلوم شد که مسئله چیست

و نوع رابطه‌ای که انسان با پدیده‌ها برقرار می‌کند چگونه است، یا بهتر است بگوییم نویسنده چگونه با پدیده‌ها ارتباط برقرار می‌کند و آن را تبدیل به یک جهان می‌کند و آن را می‌آفریند. این آفرینندگی سازه‌ای بسیار مهم برای هویت است، توضیحات و مصادیقی هم ذکر شد.

من پرسشی را در اینجا مطرح می‌کنم که اگر مجال آن بود بعداً بیشتر درباره‌اش صحبت کنیم. وقتی همه نویسندگان در آثارشان جهانی را خلق می‌کنند و حتی خدا هم اجازه خلق را به ما داده است؛ زیرا در آیه «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»^۱ یعنی خداوند اجازه خلق را به ما داده است. معلوم است غیر از خودش هم می‌تواند بسازد، سؤال این است که آن جهانی را که نویسنده خلق می‌کند، جهانی است که او می‌سازد یا جهانی است که مخاطب از او دریافت می‌کند و می‌سازد؟ یا این دو به مدد هم چنین جهانی را می‌سازند؟ یعنی مشترک در این موضوع و مسئله هستند.

۱. مؤمنون (۲۳): ۱۴.

منابع

- خدمت و خیانت روشنفکران، ج ۱، جلال آل احمد، تهران: بهروز، ۱۳۵۷ ش.
- غرب‌زدگی، جلال آل احمد، چاپ دوم با تجدید نظر، تهران: رواق، ۱۳۵۶ ش.
- کلیدر، (۱۰ ج در ۵ مجلد)، محمود دولت‌آبادی، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۶۸ ش.
- کمدی الهی، دانته آلیگیه‌ری، ترجمه فریده مهدوی دامغانی، با مقدمه احمد مهدوی دامغانی، تهران: تیر، ۱۳۸۰ ش.
- یکی بود یکی نبود، محمدعلی جمال‌زاده، تهران: بنگاه پروین، ۱۳۲۰ ش.



معرفی سخنران

دکتر مهدی سعیدی (متولد ۱۳۵۶ ش) دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان، نویسنده، محقق، پژوهشگر ادبی و استادیار زبان و ادبیات فارسی و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی (از سال ۱۳۸۶ تاکنون) است. ایشان دارای کتاب‌ها و مقاله‌هایی در زمینه زبان و ادبیات فارسی، به‌خصوص ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس و نیز ادبیات مهاجرت است. کتاب ادبیات داستانی جنگ در ایران، برنده هجدهمین دوره جایزه کتاب سال دفاع مقدس (سال ۱۳۹۹) در حوزه پژوهش‌های فرهنگی و ادبی شد. همچنین این کتاب، رتبه نخست کتاب سال دانشجویی (سال ۱۳۹۵) و رتبه نخست کتاب سال فرهنگی دانشجویان سراسر کشور (سال ۱۳۹۶) بوده است. سایر تألیفات و مقالات دکتر سعیدی عبارتند از:

- سیمای سیاسی، اجتماعی و دینی داستان‌نویسی جنگ، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۹۹؛

- «تبیین جریان‌شناختی ادبیات سیاسی در ایران معاصر (مطالعه موردی: ادبیات داستانی سیاسی در مهاجرت)»، نشریه پژوهش سیاست نظری، بهار و تابستان ۱۳۹۹؛

- «تبیین جریان‌شناختی داستان‌نویسی زنان ایرانی در مهاجرت»، فصلنامه نقد ادبی، بهار ۱۳۹۹؛

- «تحلیل توصیفی اقلیم یا شهرهای جنوب در ادبیات داستان جنگی»، مهدی سعیدی و سیده نرگس رضایی، نامه فرهنگستان، پاییز ۱۳۹۷؛

- «جریان‌شناسی ادبیات داستانی مهاجرت ایرانی»، حسین قربان‌پور آرانی، رضا شجری و مهدی سعیدی، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، تابستان ۱۳۹۷؛

- «بازنمایی تنازع سرزمین مادری و سرزمین دیگری در ادبیات داستانی مهاجرت»، مهدی سعیدی و سیده نرگس رضایی، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، بهار ۱۳۹۷؛

- «ادبیات جنگ و تعابیر دیگر آن در ایران»، کتاب ماه ادبیات، بهمن ۱۳۸۷؛

- «رویکردهای عمده ادبیات داستانی جنگ (۱۳۸۴-۱۳۵۹)»، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، پاییز و زمستان ۱۳۸۵ و...

بخش دوم

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم. تشکر می‌کنم از دوستان اندیشکدهٔ ادبیات پایداری و با اجازهٔ اساتید بحث را آغاز می‌کنم. آشنایی من با موضوع «هویت» از طریق پژوهش‌هایی است که در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی دربارهٔ نسبت ادبیات داستانی و هویت ایرانی انجام داده‌ام. جامعهٔ آماری این پژوهش‌ها مربوط به ادبیات داستانی بعد از انقلاب اسلامی است و جامعهٔ نمونه از میان دو دسته داستان انتخاب شده است: یکی ادبیات داستانی اقلیمی، یعنی آن پنج اقلیمی که در حوزهٔ داستان‌نویسی مطرح است و دیگری ادبیات داستانی فرا اقلیمی، یعنی داستان‌هایی که در خارج از ایران نوشته شده یا داستان‌هایی که اقلیمی نیستند ولی به موضوع هویت توجه دارند. نکتهٔ بعدی که من در مقدمه باید طرح کنم این است که چرا دربارهٔ مسئله

اجتماعی هویت در ادبیات داستانی یا جهانِ روایت بحث می‌شود. سپس باید کوشش کنم دربارهٔ «هویت ایرانی» و «هویت ملی» و روایت‌ها و پژوهش‌های متفاوتی که در این حوزه انجام شده سخن بگویم و بعد بحث‌های تاریخی را که دربارهٔ اندیشهٔ ایران و ایدهٔ ایران وجود دارد طرح خواهم کرد.



این بحث‌ها مقدمه‌ای است برای اینکه به چگونگی طرح موضوع هویت در ادبیات داستانی بپردازیم.

جایگاه «هویت» در ادبیات داستانی و جامعه‌شناسی

چرا ما مسائل اجتماعی و به‌ویژه همین مسئله «هویت» را در ادبیات داستانی طرح می‌کنیم؟ در پاسخ باید گفت که بین متن ادبی یا به عبارت دقیق‌تر بین دانش ادبی و جامعه‌شناسی پیوندهایی وجود دارد. برای نحله‌های مختلف جامعه‌شناسی و مکاتب گوناگون آن همیشه متن ادبی اهمیت

ویژه داشته است و منتقدان ادبی و جامعه‌شناسان همواره در پی تدوین مبانی نظری دانشی به نام جامعه‌شناسی ادبیات بوده‌اند. ادبیات و جامعه‌شناسی در گونهٔ رمان و داستان کوتاه بسیار به هم نزدیک می‌شوند. در جامعه‌شناسی ادبیات دو رویکرد عمده بیشتر به میدان نقد وارد شده است: رایج‌ترین دیدگاه، به جنبهٔ سندی ادبیات نظر دارد و ادبیات را آینهٔ عصر و جامعه می‌داند. از این دیدگاه، ادبیات عبارت است از انعکاس صریح سطوح گوناگون ساختار اجتماعی. این رویکرد تصویر آینه‌ای، تاریخ طولانی و مشخصی دارد. چنان‌که فیلسوف فرانسوی لویی دوبونالد معتقد بود که «با خواندن دقیق ادبیات هر ملّتی می‌توان گفت که این ملّت چه منشی داشته است».^۱ رویکرد دوم، از تأکید بر خود متن ادبی منصرف می‌شود و به بررسی جامعه‌شناختی پیدایش متن (تولید متن) و موقعیت اجتماعی نویسنده می‌پردازد. به این معنا که جامعه‌شناس زمینه‌های تولید و توزیع متن ادبی را بررسی می‌کند. بنابراین، بر مبنای رویکرد نخست، میان متن ادبی یا به عبارت دقیق‌تر، بین دانش ادبی و دانش جامعه‌شناسی پیوندهایی به چشم می‌خورد و می‌توان ایدهٔ «نقش متن ادبی در حل مسئلهٔ اجتماعی» را طرح کرد. ادبیات داستانی امکان تفحص و جست‌وجو دربارهٔ مسائل و معضلاتی را فراهم می‌کند که به شکل‌های پیچیده در

۱. جامعه‌شناسی ادبیات، دایانا تی. لارنسون و آلن سوئینگ‌وود، ترجمهٔ شاپور بهیان، تهران: سمت، ۱۳۹۹، ص ۵.

جامعه امروز ما ظهور کرده‌اند. خواندن مجموعه‌ای از داستان‌های معاصر یکی از راه‌های بررسی جامعه‌شناختی جامعه زمان خود است و داستان‌ها ما را با مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه نیز آشنا می‌کنند. چنان‌که اولین داستان‌های (یا داستان - رمان‌واره‌های) ایرانی نوشته شده که در حوزه ادبیات مشروطه جای می‌گیرند زمینه و بافت اجتماعی دارند. برای مثال سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ^۱ که در سال (۱۳۲۱ ق) منتشر شد، یکی از همین کارها است. شخصیت دوران در این رمان‌واره و برخی دیگر از آثار ادبیات عصر مشروطه، مسافر یا سیاحی است که کوی به کوی و شهر به شهر ایران را می‌گردد و مسائل و مشکلات و معضلات اجتماعی را می‌بیند و آن‌ها را برای مخاطبش تعریف می‌کند. در واقع در این کارها بین ادبیات و جامعه‌شناسی پیوندی وجود دارد. شاید بگویید که این بحث مناقشه‌برانگیز است؛ بدان سبب که بین داستان و تحقیق جامعه‌شناختی تباین‌ها و تضادها روشن‌تر از آن است که ما بخواهیم شباهت‌ها یا سنخیت‌های روش‌شناختی را جست‌وجو کنیم و نشان دهیم.

تحقیق و پژوهش جامعه‌شناختی مستلزم گردآوری داده‌هایی است که از طریق مصاحبه، پژوهش‌های میدانی،

۱. کتاب سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ در اواخر سلطنت و حیات ناصرالدین شاه چاپ و منتشر شد. این کتاب تأثیر زیادی در آگاهی اجتماعی و سیاسی جامعه ایران در آستانه جنبش مشروطه ایران داشت. (رک: سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ (۳ ج)، حاجی زین‌العابدین مراغه‌ای، به‌کوشش م.ع. سپانلو، چاپ هشتم، تهران: آگه، ۱۴۰۱)

آمار و ارقام و روش‌هایی که جامعه‌شناسان با آن سروکار دارند انجام می‌شود، ولی در داستان ما نه آمار داریم و نه مصاحبه و پژوهش میدانی؛ داستان در واقع حاصل تخیل و خلاقیت نویسنده است. نویسنده از خلاقیتش بهره می‌برد تا مسئله‌ای را طرح کند. با این تفاوت‌های ماهوی که داستان و تحقیق جامعه‌شناختی دارند، دیدگاهی که داستان در مسائل اجتماعی به ما می‌دهد با دیدگاهی که یک جامعه‌شناس به ما داده، بسیار متفاوت است. یعنی روایت داستانی چیزی را می‌بیند که جامعه‌شناس آن‌ها را ندیده. داستان، قدرت پیشگویی و تفسیر دارد و دست‌یابی به یک بینش عمیق و وسیع و روشن‌تری را راجع به مسائل اجتماعی طرح می‌کند. این‌ها را ما از طریق پرونده‌های جامعه‌شناسی، آمار و ارقام و... نمی‌توانیم دریابیم؛ بنابر این هرچند هر داستانی گزارش مستقیم یک رویداد واقعی نیست و از راه مصاحبه و پرسش‌نامه نوشته نمی‌شود، یک معضل و مسئله کاملاً متفاوتی را برای ما روشن می‌کند و ما را مجاب می‌کند که در کنار جامعه‌شناس، روانشناس و کارشناس مسائل سیاسی، به منتقد ادبی و متن‌داستانی هم مراجعه کنیم.

با این حساب، متن ادبی ناظر بر ابعادی از مسائل اجتماعی است که از دید صاحب‌نظران دیگر پنهان مانده یا بدان توجه نشده است. سوی دیگر ماجرا، دستاورد و رهاوردهای متن ادبی برای پژوهش جامعه‌شناسانه است.



ادبیات و متن ادبی محلّ عرضهٔ سندهای پیشینی و سابقه‌های تاریخی یک موضوع است؛ چراکه زبان و شکل بیانی ماندگار آن یعنی ادبیات، ذاتاً محمل بیان دانش و ذکر پیشینهٔ مسئله‌های علمی است. پس در دانش جامعه‌شناسی، پیشینه‌های علمی و تاریخی برخی از مسائل را می‌شود در متن‌های ادبی گذشته دید.

این مقدمه را بیان کردم تا بگویم که طرح بحث مسئلهٔ هویت در متون ادبی چه اهمیتی دارد.

سیر تاریخی هویت ملی و هویت ایرانی

بحث بعدی من دربارهٔ سیر تاریخی «هویت ملی و هویت ایرانی» است. دربارهٔ این موضوع مباحث، منابع و نظر و نظریه‌ها بسیار است. روشنفکران ایرانی، عموماً، هویت‌اندیش هستند. آن‌ها از عصر مشروطه تا به امروز حاضر و ناظر بر بحث‌های اجتماعی هستند و همواره دربارهٔ مسئلهٔ هویت نیز صحبت کرده‌اند. در دورهٔ انقلاب

اسلامی، به‌ویژه از دهه هفتاد به بعد درباره هویت ایرانی پژوهش‌های جدی و جدیدی انجام شده و منابع این حوزه متنوع و متکثر است.^۱

۱. نخستین پژوهش‌های جدید را نویسندگانی از جمله: احمد اشرف، احسان یارشاطر و شاهرخ مسکوب انجام داده‌اند. یکی از اولین کارهای جدی در سال ۱۳۷۳ و در شماره‌ای از مجله ایران‌نامه (سال دوازدهم، شماره سوم، تابستان ۱۳۷۳) منتشر شده است. احمد اشرف، شاهرخ مسکوب، احسان یارشاطر، جلال متینی و... در این شماره از مجله مقاله دارند. در همان سال ۱۳۷۳ احمد اشرف مقاله‌ای را تحت عنوان «هویت ملی» در مجله گفتگو در تهران منتشر کرد، و همان سال شاهرخ مسکوب نیز کتاب هویت ایرانی و زبان فارسی را در تهران انتشار داد. به ترتیب در سال‌های بعد نویسندگان دیگری به این موضوع پرداختند. داریوش شایگان کتاب هویت چهل تکه و تفکر سیار و فرهنگ رجایی مشکله هویت ایرانیان را منتشر می‌کند. سروش در سال ۱۳۷۶ سخنرانی «سه فرهنگ» را انجام داد و این سخنرانی در کتاب رازدانی و روشنفکری و دینداری منتشر شد. داریوش آشوری ما و مدرنیت را نوشت و همین‌طور نویسندگان دیگری هم به این موضوع پرداخته‌اند. درباره برخی از این آثار و گونه‌گونی نظر و نظریه‌هایی که در این باب بیان شده رک:

- ۱) «هویت ایرانی»، احمد اشرف، فصلنامه گفت‌وگو، شماره ۳، ۱۳۷۳.
- ۲) «بحران هویت ملی و قومی در ایران»، احمد اشرف، ایران‌نامه، سال دوازدهم، شماره سوم، ۱۳۷۳.
- ۳) تنفیذ و تکوین هویت ایرانی، داور شیخاوندی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۱.
- ۴) مجموعه مقالات مبانی نظری هویت و بحران هویت در ایران، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، ۱۳۸۳.
- ۵) مجموعه مقالات هویت در ایران، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳.
- ۶) هویت ایرانی و زبان فارسی، شاهرخ مسکوب، تهران: فرزانه روز، ۱۳۷۳.
- ۷) هویت و قومیت در ایران، حمید احمدی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۹.
- ۸) هویت ملی، جعفر ربانی، تهران: انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۱.
- ۹) تسخیر تمدن فرنگی، سید فخرالدین شادمان، تهران: گام نو، ۱۳۸۲.
- ۱۰) مؤلفه‌های هویت ملی در ایران، گروه تحقیقات سیاسی اسلام، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵.
- ۱۱) باستان‌گرایی در تاریخ معاصر ایران، رضا بیگدلو، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۱.
- ۱۲) کیستی ما از نگاه روشنفکران ایرانی، حسین کاجی، تهران: روزنه، ۱۳۷۹.

روایت‌ها دربارهٔ هویت ایرانی

در ادامهٔ بحث دربارهٔ روایت‌های مختلف از «هویت ایرانی» و این‌که آیا میان «هویت ایرانی» و «هویت ملی» تفاوتی وجود دارد یا نه سخن خواهیم گفت. سه روایت اصلی و مهم دربارهٔ هویت ایرانی وجود دارد:

الف) روایت ملت‌گرایانه یا ملت‌پرستانه؛

ب) روایت مدرن؛

ج) روایت تاریخی.

هر سه روایت در پاسخ به این پرسش به وجود آمده‌اند که منشأ پیدایش ملت‌ها چیست و به چه دوره‌ای برمی‌گردد. **روایت ملت‌گرایانه** که از آن با عنوان «ناسیونالیسم رمانتیک» هم یاد شده است، ملت را پدیدار طبیعی تاریخ

-
- (۱۳) مبانی هویت ایرانی، قدیر نصری، تهران: انتشارات تمدن ایرانی، ۱۳۸۷.
- (۱۴) دین و هویت، محمد منصورنژاد، تهران: انتشارات تمدن ایرانی، ۱۳۹۰.
- (۱۵) تبارشناسی هویت جدید ایرانی؛ عصر قاجار و پهلوی اول، محمدعلی اکبری، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
- (۱۶) هویت ایرانی، عماد افروغ، تهران: مؤسسهٔ دانش و پژوهش ایران، ۱۳۸۰.
- (۱۷) ما و مدرنیته، داریوش آشوری، تهران: صراط، ۱۳۷۶.
- (۱۸) افسون زدگی جدید: هویت چهل تکه و تفکر سیار، داریوش شایگان، ترجمهٔ فاطمه ولیانی، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۸۰.
- (۱۹) جهان ایرانی و ایران جهانی، محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰.
- (۲۰) مشکله هویت ایرانیان امروز، ایفای نقش در عصر یک تمدن و چند فرهنگ، فرهنگ رجایی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۵.
- (۲۱) پیدایش ناسیونالیسم ایرانی، نژاد و سیاست بی‌جاسازی، رضا ضیاء ابراهیمی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۹۶.
- (۲۲) «سه فرهنگ»، رازدانی و روشنفکری و دینداری، عبدالکریم سروش، تهران: صراط، ۱۳۷۱.

بشر می‌داند و معتقد است که منشأ آن را باید در دوران پیش از تاریخ جست‌وجو کرد. از قرن نوزدهم میلادی ساختن مفاهیم مدرن «ایران» و «هویت ایرانی» تحت تأثیر این دیدگاه بوده است. این هویت به کمک آثار مربوط به سنت‌های اسطوره‌ای، افسانه‌ای و تاریخ واقعی ایران همیشه رو به تکامل بوده است. از منظر این روایت، پیدایش هویت به اوایل قرن نوزدهم مربوط است؛ یعنی در حدود پنجاه یا شصت سال پیش از انقلاب مشروطه به شکل جدی شروع شده بود و بعدها این روایت به بنیاد ایدئولوژیک دولت پهلوی تبدیل شد.

روایت مدرن و پست مدرن: این روایت در نیمه قرن بیستم تدوین شد و رواج پیدا کرد. این روایت خاص کشور ایران نیست و روایتی جهانی است. طرفداران این روایت معتقدند که «روایت ملت‌گرایانه» راه افراط را طی کرده است. از نظر طرفداران و تدوین‌کنندگان روایت مدرن، «ملت» پدیده‌ی جدیدی است که ساخته و پرداخته دولت‌های ملی عصر جدید است؛ یعنی عصر دولت - ملت‌ها که خاص قرن نوزدهم است؛ افزون بر این، بین هویت ملی که ویژه‌ی دنیای مدرن است و هویت‌های پیش از آن گسست تاریخی وجود دارد؛ یعنی روایت مدرن، هویت‌های تاریخی را نمی‌پذیرد.

انتقاد درستی که روایت مدرن به روایت ملت‌گرایانه دارد، این است که این روایت، مفهوم ملت را به عنوان یک

پدیده جدید و مدرن که در فلسفه سیاسی جدید نیز مطرح شده به گذشته تعمیم می‌دهد و این درست نیست. البته ناگفته نماند که طرفداران روایت مدرن در این راه خود نیز به افراط و تفریط افتاده‌اند. آن‌ها عموماً چپ‌هایی هستند که بحث قومیت‌گرایی و جدایی‌طلبی را تحت همین روایت مطرح می‌کنند. روایت ملت‌پرستانه بر تعصب ملی پافشاری دارد ولی روایت مدرن روایتی ضد ملی است. روایت ملت‌پرستانه، روایت طبقه حاکم و غالباً دست راستی است که با قدمتی صدساله در محافل ملی رواج دارد اما روایت مدرن، روایت چپ‌ها و جدایی‌طلبان قومی است. طرفداران مسئله‌ملت یعنی افرادی که تحت تأثیر سوسیالیسم هستند، اندیشه «ملت‌ها» را مطرح می‌کردند، نه ملت واحد را؛ در واقع در ایران هم چنین اتفاقی افتاد، و حکومت‌های محلی در دوره‌ای از تاریخ ایران نیز بر مبنای همین ایده شکل گرفتند.

روایت تاریخی یا تاریخ‌نگار: روایت سوم معتقد است هویت ملی زاده دنیای جدید است و از این جهت با دیدگاه روایت مدرن همسو است، اما با استناد به شواهد تاریخی، گسست بنیادین بین هویت ملی و هویت گذشته را نمی‌پذیرد و ضمن پرهیز از افراط و تفریط دو روایت قبلی، راه میانه‌ای را پی می‌گیرد و مطابق آن هویت ایرانی را تبیین می‌کند. طبق روایت تاریخی بین هویت ملی و هویت ایرانی تفکیک وجود دارد. از نظر این گروه هویت

ملّی واژه جدیدی است که در قرون جدید پدیدار شده اما هویت ایرانی یا هویت فرهنگی ایرانی قدمتش به طول تاریخ می‌رسد. احمد اشرف در میان اندیشمندان این گروه است.

سیر تاریخی هویت ایرانی

بحث‌هایی که من در اینجا مطرح می‌کنم ناظر به دیدگاه‌های محققانی مانند: احمد اشرف، جراردو نیولی^۱ و شاپور شهبازی است که حمید احمدی در کتاب هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی، ترجمه و تدوین کرده است.^۲

از نظر احمد اشرف هویت ایرانی یک سیر تاریخی هفت مرحله‌ای دارد:

۱. مرحله بنیادین بازسازی هویت ایرانی یا ساخت اولیه هویت ایرانی: عهد ساسانیان؛
۲. مرحله سکون و رکود هویت ایرانی (دو قرن اول هجری)؛
۳. مرحله تجدید حیات هویت فرهنگی ایران (دوره حکومت‌های محلی ایرانی همچون طاهریان، صفاریان و سامانیان)؛

۱. Gherardo Gnoli (۱۹۳۷ - ۲۰۱۲ م) خاورشناس و تاریخ ادیان‌شناس ایتالیایی است.

۲. رک: هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی، احمد اشرف، ترجمه و تدوین حمید احمدی، تهران: نشر نی، ۱۳۹۵.

۴. مرحله حکومت سلجوقیان؛

۵. مرحله بازسازی و احیای هویت ایرانی در حکومت
ایلخانان مغول؛

۶. مرحله بازسازی و احیای هویت ایرانی - شیعی در
حکومت صفویان؛

۷. مرحله بازسازی هویت ملی - ایرانی در معنای
امروزی آن (دو قرن اخیر).

مرحله بنیادین بازسازی هویت ایرانی یا ساخت اولیه هویت ایرانی: عهد ساسانیان:

درباره اینکه ایده ایران به منزله یک واقعیت مذهبی، فرهنگی، قومی و زبانی از چه زمانی شکل گرفت، نظرها متفاوت است. دو دسته نظر مهم در این باره وجود دارد: برخی نظیر دکتر شاپور شهبازی تاریخ ایده ایران را به زمان هخامنشیان و اشکانیان پیوند می زنند. از نظر او، ایران به عنوان یک کیان ملی، یعنی کشوری با یک هویت زبانی، سیاسی و قومی در دوره اوستایی شکل گرفته و به طور غیر رسمی وجود داشته و بعدها اردشیر ساسانی برای تقویت ادعای خود بر تاج و تخت به آن رسمیت داده است.^۱ نظر دیگر از کسانی نظیر جراردو نیولی است. او در کتاب ایده ایران، این ایده را ایده ای ساسانی می داند.

۱. رک: «تاریخ ایده ایران و هویت ایرانی در دوره هخامنشی و اشکانی (پارتی)» شاپور شهبازی، هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی، احمد اشرف، ترجمه و تدوین حمید احمدی، صص ۵۷-۸۰.



از نظر نیولی مدرکی برای اینکه پیش از ساسانیان، ایران به عنوان یک واحد سیاسی مطرح باشد وجود ندارد. هخامنشیان و اشکانیان به ترتیب امپراتوری‌های پارسی یا پارتی خوانده می‌شدند.^۱

پادشاهان ساسانی با یاری موبدان زرتشتی از مواد و مصالح مناسب یعنی اقوام ایرانی که فرهنگ مشترک، زبان مشترک و دین مشترک داشتند و بیش از یک هزاره در سرزمین ایران زندگی کرده بودند، دولتی واحد با نظام سیاسی و دینی واحد پدید آوردند. همگرایی روحانیون زرتشتی و دودمان جدید (پیوند شهریاری و دین‌یاری) در قالب ایده‌ی ایران‌شهر یا قلمرو پادشاهی ایرانیان نمود می‌یابد. بر اساس این ایدئولوژی جدید، نام ایران در عنوان‌های رسمی دولت ساسانی کاربرد خاص سیاسی پیدا می‌کند. آن‌ها در نامیدن شهرها، نام‌های خاص، عنوان‌های اداری و نظامی هم از نام ایران استفاده می‌کنند

۱. ر.ک. همان، صص ۴۷-۵۶.

(مثل: ایران دبیربد، ایران آرتشتار، شاهنشاه ایران و انیران). در واقع هویت ایرانی که تا پیش از این ارزش فرهنگی و مذهبی داشت، یک ارزش قطعی سیاسی به خود گرفت. تاریخ سنتی ایران در عهد ساسانی از صورت شفاهی زمان اشکانی به صورت کتبی تحول یافت و در مجموعه‌ای به نام خداینامه گردآوری شد. این تاریخ شامل عهد اساطیری و تاریخی است. ساسانیان، با هدف یکپارچگی سیاسی ایران و برانگیختن غرور ملی در برابر مهاجمان بیگانه، افسانه‌های آفرینش نخستین انسان و نخستین پادشاه و سلسله‌های اساطیری و کیانی را که ریشه اوستایی داشت به سلسله ساسانی پیوند زدند و بدین ترتیب برای خود قبالة تاریخی ساختند. هرچند در این تاریخ‌سازی، مادها و هخامنشیان نادیده گرفته شده‌اند. در واقع دوران تاریخی با حمله اسکندر آغاز و با پارت‌ها و ساسانیان ادامه می‌یابد.

مرحله سکون و رکود هویت ایرانی (دو قرن اول هجری):

حمله اعراب به ایران و فروپاشی ساسانیان پایه‌های همبستگی سیاسی و دینی هویت ایرانی را سست می‌کند و یکپارچگی آن را برهم می‌زند. حکومت جهانی اسلام جای حکومت قومی و شبه ملی ایرانی را می‌گیرد و دین جهانی اسلام، در طول سه قرن، جایگزین دین ایران زرتشتی می‌شود. ایرانشهر یا قلمرو پادشاهی ایران نیز فرومی‌ریزد.

کشور ایران تا چند قرن، یعنی تا عهد ایلخانان و به خصوص زمان برآمدن صفویه، از وحدت سیاسی محروم می ماند. اما در دوران رکود چند چیز بر جای می ماند: اول قومیت ایرانی است که به منزله ایرانی و اهل فارس و عجم در برابر عرب، و تاجیک در برابر ترک شناسایی می شود و هویت تاریخی خاصی را برای ایرانیان معین می کند. دوم مفهوم سرزمین ایران است که در مفهوم جغرافیایی اش در حکم میانه جهان تداوم پیدا می کند. سوم اسطوره های آفرینش انسان و پیدایش اقوام ایرانی است که با افسانه های اسلامی در هم می آمیزند و پایدار می مانند و به تداوم هویت ایرانی مدد می رسانند. چهارم، و البته از همه بالاتر و درخشان تر، شکوفایی زبان فارسی است که حامل و نگاهبان فرهنگ پربار و هویت ایرانی می شود.

مرحله تجدید حیات (دوره حکومت های محلی ایرانی همچون طاهریان، صفاریان و سامانیان):

در دو تا سه قرن اول، ایران دچار آشفتگی بسیاری شد. اما در درون این آشفتگی، سرزمین ایران و ایرانی در مقابل عرب و یا تاجیک در مقابل ترک ایستادگی کرد. اسطوره ها و افسانه ها و روایت های پیدایش اقوام ایرانی با افسانه های اسلامی درهم آمیخت و زبان فارسی هم در همین دو قرن شروع به رشد و شکوفایی کرد. البته در دو قرن اول شاهد جنبش های محلی مقاومتی از جمله جنبش

بابک خرم‌دین، المقنع، استادسیس، و مازیار^۱ هستیم. در این میان حکومت‌های محلی ظهور کردند، برای مثال حکومت‌های صفاریان^۲، طاهریان^۳، آل بویه^۴ و سامانیان^۵ که به تجدید حیات میراث فرهنگی ایران کمک شایانی کردند. اندیشمندان و متفکران ایرانی در منصب‌های وزیر، دبیر، و شاعر به خدمت این حکومت‌های محلی درمی‌آمدند؛ برای مثال از عهد سامانیان به بعد خاندان‌های بلعمی^۶، جیهانی^۷ و بعدها افرادی مانند نظام‌الملک در عهد سلجوقیان به مناصب مهمی دست پیدا کردند. دهقانان و نجیب‌زادگان زیادی برای حفظ میراث فرهنگی ایران، با جنبش ادبی شعوبیه^۸ همراه شدند. بعدها ادبیات مکتوب

۱. درباره این جنبش‌ها رک: جنبش‌های دینی ایرانی در قرن‌های دوم و سوم هجری، غلامحسین صدیقی، تهران: پاژنگ، ۱۳۷۲.

۲. حک: ۲۵۳ - حدود ۹۰۰ ق.

۳. حک: ۲۰۵ - ۲۵۹ ق.

۴. حک: ۳۲۰ - ۴۵۴ ق.

۵. حک: ۲۰۴ - ۳۹۵ ق.

۶. خاندانی از دیوانیان و دانشمندان خراسان که دو تن از ایشان در دستگاه سامانیان به وزارت رسیدند. نسب این خاندان به اعراب بنی تمیم می‌رسد. مشهورترین این خاندان، ابوالفضل بلعمی (د: ۳۲۹ ق.) و ابوعلی بلعمی (د: ۳۶۳ ق.) است. (رک. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۲، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳، مدخل: بلعمی).

۷. از دودمان‌های وزارت‌پیشه و نام‌آور ایران در سده چهارم هجری. (رک: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۹، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۰، مدخل: جیهانی).

۸. شعوبیه: جنبشی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در قرن دوم و سوم هجری، بر ضد باورها و رفتارهایی ناشی از احساس برتری قومی و تفوق نژادی عرب‌ها بر اقوام غیرعرب، به‌ویژه ایرانیان. (رک. دانشنامه جهان اسلام، ج ۲۷، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۹۸، ص ۳۰۸-۳۱۴).

فارسی از قرن سوم تا قرن پنجم شکوفا شد و در حفظ این هویت کوشید. در همان قرون اولیه در تواریخ اسلامی، اساطیر ایرانی و اساطیر ابراهیمی (داستان‌های اسلامی) با یکدیگر درآمیختند تا اسطوره‌های ایرانی حفظ و وارد کتاب‌های تاریخی شود، مانند: تاریخ طبری، تاریخ بلعمی و حتی نویسندگان و مورخان عرب مانند مقدسی، مسعودی و... افسانه‌های ایرانی را در متون تاریخی خود طرح کردند. حتی تصور جغرافیایی ایران و آمیختگی آن با سرزمین‌های اسلامی در شاهنامه نیز وارد شده است؛ چنان‌که در مورد قلمرو ایرج می‌گوید: «از ایشان چونوبت به ایرج رسید/ مر او را پدر شاه ایران گزید/ هم ایران و هم دشت نیزه‌وران/ هم آن تخت شاهی و تاج سران»^۱.

در متون فارسی و ادبی این دوره نیز واژه «ایران» آمده است، برای مثال در شاهنامه فردوسی حدود هفتصد و بیست بار نام ایران و سیصد و پنجاه بار نام‌های شبیه به آن مثل ایرانیان و... ذکر شده است. هرچند بسیاری از این موارد به معنای ایران در معنای یک واحد جغرافیایی یا سیاسی خاص عهد ساسانیان نبوده است؛ این‌ها همگی یادآور میراث فرهنگی ایران بوده است.

در آغاز این دوره، زندگی فرهنگی و سنت ادبی سامانیان ادامه پیدا می‌کند. نخستین شاهان غزنوی به عنوان غلام یا

۱. رک: شاهنامه، فردوسی، از روی چاپ مسکو، به کوشش و زیر نظر سعید حمیدیان، تهران: قطره، ۱۳۷۶، ص ۹۱.

سربازان برده در دستگاه نظامی سامانی پرورش یافته بودند. در همان فضا، فضلا و اهل قلم برای پیوند دادن غزویان و ساسانیان دست به ساخت شجره‌نامه هم زدند. چنانکه بر اساس تبارنامه‌ای که جوزجانی به آن اشاره کرده سبکتگین (حک: ۳۶۶ - ۳۸۷ ق.) پدر محمود غزنوی (حک: ۳۶۱ - ۴۲۱ ق.) از شش نسل پدری به دختر یزدگرد سوم ساسانی می‌رسد. شعرایی مثل فرخی و منوچهری و عنصری هم از ایران و ایران‌زمین به عنوان واقعیتهای معاصر یاد می‌کنند و در شعر آن‌ها محمود، خسرو ایران و شاه ایران است. اما ایران به معنای سیاسی آن هنوز شکل نگرفته بود و بیشتر به عنوان یک ایالت یا بخش‌هایی از جهان اسلام که به‌طور مستقل اداره می‌شد، شناخته می‌شد.

در دوره محمود مکاتبات اداری به دستور ابوالحسن اسفراینی به فارسی نوشته شد (هرچند جانشین او، میمندی دوباره مکاتبات را عربی کرد). اما این اقدام نشانه آغاز پایه‌گذاری زبان فارسی به منزله زبان دیوانی است که بعدها ادامه یافت. از جمله کارهای مهم در زمان او فتح هند و رواج زبان فارسی در هند است.

مرحله حکومت سلجوقیان:

دوره سلجوقیان، دوره پیچیده‌ای درباره هویت ایرانی است. در این دوره کاربرد واژه «ایران» بسیار کم شد، اما از طرف دیگر، سلطه زبان فارسی گسترش یافت. هر چند

سلجوقیان برای نخستین بار ایران را بعد از حمله اعراب متحد کردند، اما از کاربرد واژه ایران برای قلمرو حکومت خود پرهیز می‌کردند. از دلایل عدم کاربرد واژه ایران موارد زیر است:

الف) تعصب دینی: سلجوقیان سنی‌مذهب بودند و جامعه به سمت اسلامی‌تر شدن پیش رفته بود. در واقع دین اسلام شکل نهادینه‌تری پیدا کرده بود و دیدگاه جهان‌گرایانه یا جهان وطنی اسلامی آن‌ها در تعارض با هویت ایران به عنوان یک قلمرو مستقل بود.

ب) ساختار سیاسی یا مبنای سیاست هویتی: این ساختار و مبنا در دوره سلجوقیان اقتدار سلطان و اقتدار معنوی خلیفه بود. همان‌طور که گفته شد کاربرد واژه ایران در این دوره کم شده بود، برای نمونه همچنان که احمد اشرف برشمرده در آثاری مانند سیرت جلال‌الدین^۱ دو بار از واژه «ایران» یاد شده یا در تاریخ طبرستان^۲ شش بار، در مجمل التواریخ^۳ بیست و نه بار و در راحة الصدور^۴ هفده بار. در شعر شعرای آن دوره هم بدین ترتیب بوده است.

۱. سیرت جلال‌الدین منکبرنی، شهاب‌الدین محمد خرندزی زبیری نسوی، به تصحیح مجتبی مینوی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴.

۲. تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، سید ظهیرالدین مرعشی، به اهتمام برنهارد دارن و مقدمه یعقوب آژند، تهران: نشر گستره، ۱۳۶۳.

۳. مجمل التواریخ و القصص، به تصحیح محمدتقی بهار ملک‌الشعرا و ویراستاری علی اصغر عبداللهی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸۳.

۴. راحة الصدور و آية السرور در تاریخ آل سلجوق، محمد بن علی بن سلیمان راوندی، محمد اقبال، تهران: علمی، ۱۳۶۳.

برای مثال در شعر انوری، شش بار و در شعر سنایی نوزده بار واژه «ایران» آمده است، در اشعار خاقانی و نظامی البته کمی متفاوت است، در شعر این شاعران واژه ایران بیشتر ذکر شده است و هر کدام حدود بیست و شش بار از ایران یاد کرده‌اند. در این دوره با نویسندگان یا شاعرانی نظیر سیف فرغانی و امیر معزی هم مواجه می‌شویم که آثار و اشعاری در مذمت مفاخر، اساطیر و افسانه‌های ایرانی دارند.

مرحله حکومت ایلخانان مغول:

در دوره ایلخانی اوضاع کمی متفاوت می‌شود. آن‌ها تعصب دینی دوره سلجوقی را نداشتند و از اتحاد ایالت‌های اسلامی با عنوان ایران یاد می‌کردند؛ تصور جغرافیایی ایران زمین برای نخستین بار پس از حمله اعراب به مفهوم می‌که در دوره ساسانیان ساخته شده بود تحول پیدا کرد. سبب عمده این تحول دو امر بود: یکی گردآمدن ایالات گوناگون ایران در قلمرو ایلخانان، و دیگر کاهش تعصب سنی‌گرای ترکان غزنوی و سلجوقی که هویت ایرانی را بر نمی‌تابید. به همین دلیل در متون تاریخی و جغرافیایی تا پیش از ایلخانان در بیشتر موارد به ایالات و ولایات اسلام اشاره می‌شد در حالی که در دوره ایلخانان و پس از آن به ایالات و ولایات ایران زمین.

در حوزه تاریخ‌نویسی نیز این دوره اهمیت دارد. اهمیت آن هم به دلیل افزایش نام ایران نیست، بلکه به

دلیل بازسازی دوره‌بندی چهار مرحله‌ای تاریخ ملی پیشامدرن ایران بر حسب تداوم تاریخ‌های دودمانی از عصر اسطوره‌ای بسیار کهن تا دوران مغول است. این شیوه، تاریخ سنتی ایران را که از اواخر عهد ساسانی بازسازی شده بود به اوایل دوره صفویه ربط می‌دهد. برای نمونه کتاب نظام التواریخ،^۱ دارای چهار باب است: باب اول از دور آدم (ع) تا نوح (ع) پنج درصد کتاب است، باب دوم تاریخ سنتی ایران تا فرود ساسانیان سی و هشت درصد، باب سوم اخبار خلفای راشدین هجده درصد و باب چهارم اخبار سلاطین و ملوک ممالک ایران، یعنی صفاریان، طاهریان و غزنویان و... سی و نه درصد از کتاب را تشکیل می‌دهد. به عبارتی، حدود هشتاد درصد کتاب درباره تاریخ ایران است. روایت او از ایران، تکرار مطالب شاهنامه‌هاست. او در باب اول به پیوند اساطیری ادیان ابراهیمی و اسطوره‌های ایرانی نظر دارد و دوره فترت دو قرن نخست را با اخبار خلفا پوشش می‌دهد.

چنانکه نویسنده درباره روش پژوهشش می‌گوید: «این کتاب را از تواریخ معتبر فراهم آوردم و نظام التواریخ نام کردم چه در آن سلسله حکام و ملوک ایران که طول آن از فراتست تا جیحون بلکه از دیار عرب تا حدود خجند [...] بر سبیل اتصال آوردم و آن را بر چهار قسم نهادم و به

۱. نظام التواریخ، قاضی ناصرالدین بیضاوی، به کوشش میرهاشم محدث، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۲.

زبان فارسی ساختم تا فواید آن عام‌تر بود». ^۱ یعنی توجه به حفظ این تداوم تاریخی داشته است. نویسنده کتاب، تاریخ را از گذشته تا زمانه خود بر اساس یک جغرافیای تاریخی مشخص ذکر می‌کند و می‌گوید: «از جیحون تا فرات»، یعنی مرزهای جغرافیایی و عرصه‌های تاریخی را مشخص کرده است، سپس می‌گوید من فارسی نوشتم برای این‌که فایده عام داشته باشد و مردم بتوانند آن را بخوانند. این روش کار بیضاوی را دیگرانی مثل رشیدالدین فضل‌الله و حمدالله مستوفی ادامه می‌دهند. این کار پیش از کارهای شرق‌شناسان بوده است.

مرحله حکومت صفویان:

در عهد صفویان برای اولین بار بعد از امپراتوری ساسانی، ایران‌زمین یک واحد مشخص و تعریف‌شده پیدا می‌کند؛ یعنی در واقع پنج عنصر هویت‌بخش عهد ساسانی (تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی و دینی) دوباره کنار هم قرار می‌گیرد. در این دوره، مذهب شیعه دین رسمی اعلام شد، مرزهای صفوی با دیگر همسایگان خود از جمله عثمانی، ازبک و هند مشخص می‌شود و تلقی مردم زمانه دولت صفویان از مفهوم وطن، تعریف مشخصی پیدا می‌کند.

همان‌طور که می‌دانید ما از وطن سه برداشت و یا تلقی

۱. رک: هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی، ص ۱۳۶.

داریم: ۱. زادگاه (شهری که در آن به دنیا آمده‌ایم)، ۲. جهان اسلام (از حجاز تا مصر و ایران)، ۳. جهان ملکوتی (که در عرفان مطرح است). در این زمان پدیده‌ای به نام کشور «ایران» هم جزئی از این برداشت و یا تلقی می‌شود، یعنی وقتی دربارهٔ وطن صحبت می‌شود «ایران» را به‌منزلهٔ وطن در کنار آن سه برداشت به‌حساب می‌آورند. صفویان مذهب شیعه را در ساخت هویتی به‌کار بردند و کوشیدند میان ایران و اسلام پیوند ایجاد کنند؛ برای همین بسیاری از رسوم ایرانی نظیر نوروز، مبنای حدیثی شیعی پیدا کرد، و میان برخی از مناسبت‌های مذهبی و آیین‌های ایرانی هم نسبت برقرار شد. در این دوره دربارهٔ نسبت ایرانیان به‌ویژه ایرانیان باستان با دنیای اسلام داستان‌ها یا روایت‌هایی هم ساخته شد و گسترش یافت. از جمله دیگر کارها رواج حدیث «حب الوطن من الایمان»^۱ و تعمیم دادن آن از زادگاه مشخص به کشور ایران است. این حدیث بنا بر مقالهٔ دکتر شفیعی با عنوان «تلقی قدما از وطن»^۲ در منابع

۱. حدیث از پیامبر (ص) است. امل الامل، محمد بن حسن حر عاملی، نجف اشرف: بی نا، ۱۴۰۴ ق، مقدمه؛ مستدرک سفینه البحار، ج ۱۰، علی نمازی شاهرودی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۴۱۹ ق، ص ۳۷۵؛ اعیان الشیعه، ج ۱، سید محسن عاملی، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ ق، ص ۳۰۱؛ خزائن، ملا احمد نراقی، تصحیح علامه حسن حسن‌زاده آملی، تهران: انتشارات قیام، ۱۳۸۰، ص ۴۸۷، ۵۲۸؛ میزان الحکمة، ج ۴، محمد ری‌شهری، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۵، ص ۳۵۶۶؛ گنج حکمت یا احادیث منظوم، محمد باقری بیده‌ندی، قم: کتابفروشی و نشر روح، ۱۳۶۳، ص ۱۶۵ و...

۲. «تلقی قدما از وطن»، محمدرضا شفیعی کدکنی، الفبا، ج ۲، ۱۳۵۲ ش، ص ۲۵-۱.

اهل سنت به سختی یافت شده است و در منابع شیعه نخستین بار در آثار مجلسی و شیخ عباس قمی می‌آید. حدس شفیهی این است که این حدیث بر ساخته ایرانیان است. زیرا ایرانیان بودند که هویت خود را بر مبنای خاک تعیین می‌کردند. نمونه کاربرد این حدیث با معنای تعمیمی در شعر سبک هندی فراوان است.

مورخان نیز نمونه‌هایی از حفظ این دوگانگی‌های هویتی را در آثارشان ذکر کرده‌اند، برای نمونه گفته شده است که در عهد شاه عباس یک سال نوروز با عاشورا تلاقی پیدا کرد. او دستور داد ابتدا عاشورای امام حسین (ع) و فردای عاشورا مراسم نوروز برگزار شود؛ یعنی او به هر دو جنبه اسلامی و ایرانی توجه داشته است.

مرحله جدید (دو قرن اخیر):

بحث «ایران دوره جدید» و مفهوم «هویت» در دوران جدید کمی متفاوت است. پیشتر ذکر شد که روایت‌های ملت پرستانه و روایت‌های مدرن به دوران جدید اختصاص دارد. ایرانیان با برخورداری از میراث بیداری تاریخی دیرپا و آگاهی فرهنگی نسبت به هویت خود وارد عصر ملت سازی و ناسیونالیسم قرن نوزدهم شدند. از پس جنگ‌های میان ایران و روس نیز پریشی فراگیر ایجاد شد که چرا ایران از دنیا عقب افتاده است؟ این پرسش، زمینه تحول فکری عظیمی را فراهم کرد. بعدها با اعزام محصل به خارج،

تجارت با دنیای مدرن، سیاحت، تبعید روشنفکران، ورود صنعت چاپ، ترجمه کتاب، نوشتن رمان، سفرنامه‌نویسی و انتشار روزنامه و آمدن افکار مدرن به ایران، تحول در اندیشه ایرانیان سرعت بیشتری یافت. آثار نویسندگان این عصر هم اسباب ورود اندیشه و فکر جدید درباره ترقی و ناسیونالیسم را فراهم کرد.

در این دوره مدارس جدید به وجود آمد و درواقع روشنفکران ایرانی از این طریق مفاهیم مدرن و ناسیونالیسم و هویت ملی ایران را بر اساس میراث غنی فرهنگ ایرانی بسط و گسترش دادند. واژه «ملت» را دوباره تعریف کردند و این واژه که تا آن روزگار به معنای «مذهب» بود، معنای سیاسی (معادل Nation) پیدا کرد و واژه ملی پسوند بسیاری از نهادها، سازمان‌ها و اشخاص شد، مثل: بانک ملی، سردار ملی، سالار ملی، مجلس شورای ملی و....



در این دوره جدید نگاهی نو به تاریخ ایران هم شکل گرفت و بخشی از کتاب‌های تاریخی به تاریخ پیش از اسلام اختصاص یافت. برای مثال در این دوره کتابی نوشته شده است با عنوان تاریخ بنی الاشکان^۱ یعنی فرزندان اشکان (که نوعی تبارنامه‌تراشی اشکانی برای قاجارهاست). کتاب المعجم فی آثار ملوک العجم^۲ که در قرن هفتم نوشته شده و مختص تاریخ ایران است در این دوره بسیار نشر و خوانده می‌شد. کارهای جدیدی هم در حوزه تاریخ‌نویسی پدید آمد که توجهشان به پیوستگی تاریخ ایران و برجسته‌سازی تاریخ باستانی است، برای مثال کتاب‌هایی مانند نامه خسروان^۳ از جلال میرزا که با نوعی توجه افراطی به تاریخ پیش از اسلام تألیف شده است و یا آیین سکندری^۴ میرزا آقاخان کرمانی از این نمونه‌هاست.

روایت‌های هویتی روشنفکران ایرانی پیش از مشروطه نیز به سمت یک نوع ناسیونالیسم رمانتیک می‌رود که تنها ایران باستان را ستایش می‌کند و اساس نابسامانی ایران را به اسلام و فرهنگ اسلامی - ایرانی ربط می‌دهد.

-
۱. تاریخ اشکانیان (درر التیجان فی تاریخ بنی الاشکان)، محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، به‌کوشش: نعمت احمدی، تهران: اطلس، ۱۳۷۱.
 ۲. المعجم فی آثار العجم، فضل‌الله شرف‌الدین قزوینی، به‌کوشش: احمد فتوحی‌نسب، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳.
 ۳. نامه خسروان (داستان پادشاهان پارس، از آغاز تا پایان ساسانیان، با تصاویر تاریخی)، جلال میرزا قاجار، تهران: پازینه، ۱۳۹۸.
 ۴. آیین سکندری، عبدالحسین میرزا آقاخان کرمانی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۹۰.

نگرش‌های هویتی روشنفکری عصر مشروطه، مبنای هویتی عهد پهلوی هم قرار می‌گیرد. در دوره پهلوی به این الگوی ناسیونالیسم رمانتیک توجه بسیاری می‌شود. علاوه بر این، اتفاقات جدیدی مانند معماری‌های خاص، موسیقی خاص، لباس خاص، نوع مراسم‌های خاص نیز به وجود می‌آید. در این دوره در ساخت ایدئولوژی هویتی اندیشه‌های شرق‌شناسانی نظیر «ارنست هرستفلد»^۱ هم اهمیت می‌یابد. در ایده آنها ایران مبتنی بر عهد هخامنشیان برجسته می‌شود. نتیجه این تفکر را می‌توان در جشن‌های دوهزار و پانصدساله دید که تأکید آن بیشتر بر دوره هخامنشیان است. این اندیشه پنج ابتکار تاریخی را هم در پی دارد: تغییر نام کشور در مکاتبات زبان‌های اروپایی از پرسیا به ایران، مشخص کردن ریشه کهن آریایی ملت، گزینش عنوان آریامهر از سوی شاه، بزرگداشت جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، تغییر تقویم ملی از هجری اسلامی به شاهنشاهی ابداعی. همچنین سیاست زبانی خاصی نیز در این دوره دنبال شد. در واقع در دوره رضاشاه پان‌ایرانیسم برای حفظ تمامیت ارضی در مقابل پان‌ترکیسم و پان‌عربیسم قرار گرفت و بعدها حکومت همچنان به دنبال سیاست‌های خاص هویتی ایرانی بود.

در دوره پهلوی تعدادی از روشنفکران ایرانی همین ایده دولت - ملت را دنبال کردند و از سیاست‌های هویتی

۱. Ernst Emil Herzfeld (۱۸۷۹-۱۹۴۸ م) باستان‌شناس و ایران‌شناس آلمانی.

پهلوی حمایت کردند و تعدادی دیگر از روشنفکران، از جمله جبهه ملی به دنبال ایده‌های دیگر رفتند. از جمله چهار سیاست هویتی مشخص دیگر وجود داشت که عبارت بودند از:

۱. سیاست مبتنی بر نوسازی با محوریت اشخاصی مانند علی‌اکبر داور، علی‌اکبر سیاسی؛

۲. سیاست ترویج ناسیونالیسم ملی با محوریت جبهه ملی؛

۳. سیاست ترویج اندیشه‌های جدایی طلبانه و صحبت از خلق‌های ایران با محوریت روشنفکران چپ؛

۴. سیاست مبتنی بر مذهب و برداشت‌های مذهبی با محوریت افرادی همچون آیت‌الله مطهری، علی شریعتی، مهدی بازرگان، و در ادامه عبدالکریم سروش و روشنفکران دیگر. این افراد در واقع به دنبال پیوند میان ایران گذشته و ایران اسلامی و نیز عدم تعارض و تباین میان این دو دوره بودند.

آنچه بیان شد خلاصه‌ای از نظر یکی از اندیشمندان ایرانی در باب سیر تاریخی هویت ایرانی و چگونگی ساخت و بازسازی‌های آن در طول تاریخ بود. بحث بعدی ما می‌تواند این باشد که در متن روایی و به‌ویژه در رمان ایرانی هویت ایرانی چگونه بازتاب یافته است.



جمع‌بندی (دکتر محمد رضا سنگری)

اکنون می‌خواهم تصویر مجملی از مباحث شما را بیان کنم. جناب‌عالی در ابتدا به تبیین بحث هویت به عنوان موضوعی جامعه‌شناختی که در ادبیات مطرح شده است پرداختید؛ سپس سه روایت از هویت ملی یا هویت ایرانی را طرح کردید که عبارت بودند از: الف) روایت ملت‌گرایانه، ب) روایت مدرن، ج) روایت تاریخی که به نظرم شما بر روی روایت تاریخی تکیه داشتید. در ادامه هفت مرحله از سیر تاریخی هویت را در ایران مطرح کردید که شامل: ۱. مرحله بنیادین، ۲. مرحله سکون و رکود یا به گفته دکتر زرین‌کوب «سکوت»، یا به قول دکتر شریعتی دوره «فریاد»، ۳. مرحله بازسازی، ۴. مرحله حکومت سلجوقیان، ۵. مرحله حکومت ایلخانان مغول، ۶. دوره صفویان، ۷. دوره جدید است. دیدگاه یا سیاست‌های هویتی را در دوره پهلوی دسته‌بندی کردید که شامل بحث،

الف) نوسازی، ب) ناسیونالیسم ملی، ج) ایده چپ‌ها، د) ایده مذهبی بود. بسیار از این مباحث بهره بردیم.

پرسش و پاسخ

□ پرسشگر: آیا شهید آوینی موفق شد از عنصر نخست هویتی که «تعلق» است بگذرد و به عنصر دوم یعنی تصور برسد و جهانی را خلق کند که دیگران باور کنند. به عبارت دیگر در حوزه آثار مکتوب ادبیات جنگ یا دفاع مقدس و یا پایداری آیا ما یک اثر شاخص و یا یک شاهکار ادبی داریم که بتوان به آن تکیه کرد و به عنوان یک عنصر هویت بخش ادبی از آن یاد کرد؟



■ دکتر کوثری: پاسخ به این سؤال بسیار دشوار و به نظر من مربوط به دایره شخصی است. باید بگویم که کارهای نزدیک و قابل قبول زیادی در این حوزه انجام شده است، ولی ما همچنان در انتظار تولد یک شاهکار

هستیم. در واقع آثار ما همچنان گرفتار عنصر «تعلق» است و این عدم رهایی مانع از این می‌شود که یک شاهکار جهانی با سویه‌های مختلف تولید شود. البته شاید من چون کمی از این حوزه دور افتاده‌ام نتوانم قضاوت کنم. در آثار قدیمی که من خوانده‌ام کتاب جنگ دوست داشتنی^۱ را بسیار دوست داشتم. در این کتاب طنز، هجو و عناصر دیگر زندگی مانند نخاله‌بازی، اشتباه، زرنگی و... هم دیده می‌شد؛ رزمنده‌ای که این عناصر جزو زندگی‌اش بود. در آن دوران به نظرم این اثر بسیار قابل توجه بود، اما شاهکار به حساب نمی‌آمد. البته ما داستان‌های کوتاه بسیار خوبی در حوزه ادبیات جنگ و پایداری داریم، اما وقتی از شاهکار سخن می‌گوییم تصویرمان رمانی سیصد یا چهارصد صفحه‌ای است که جهان مستقل از نویسنده داشته باشد و روابطش به‌خوبی نشان داده شده باشد. به نظرم این اثر هنوز متولد نشده است. داستان‌های کوتاه و بلند مؤثر زیاد در این حوزه داریم اما با اطلاعات قدیمی من هنوز آن شاهکار را من ندیده‌ام.

■ **دکتر سنگری:** بسیار سپاسگزارم. البته ما سخت دچار حجاب معاصرت هستیم؛ چهره‌های بزرگ روزگار ما کم نیستند، اما در آینده شناخته خواهند شد. اگر بخواهم از این پژوهشگران و چهره‌های بزرگ ادبی نام ببرم باید از اشخاصی مانند دکتر زرین‌کوب، دکتر اسلامی‌ندوشن،

۱. جنگ دوست‌داشتنی (خاطرات سعید تاجیک)، تهران: سوره مهر، ۱۳۹۷ ش.

دکتر شفیعی کدکنی یاد کنم که باید زمانی بگذرد تا ارزش کارهایشان شناخته شود، شاید بعضی از آثار روزگار ما هم دچار همین حجاب است.

□ پرسشگر: آقای دکتر کوثری نظرتان درباره سؤال بنده در مورد جهان‌های ساخته‌شده چیست؟ سؤال بنده این بود: آیا جهانی را که نویسنده خلق می‌کند، جهانی است که او می‌سازد، یا جهانی است که مخاطب از او دریافت می‌کند و می‌سازد؟ یا این دو به مدد هم چنین جهانی را می‌سازند؟ یعنی مشترک در این موضوع و مسئله هستند.

■ دکتر کوثری: خدمت شما عرض کنم که نقدهای ادبی جدید بیشتر مدل بارتی^۱ است، آن‌ها معتقد به مرگ مؤلف هستند ولی من مرگ مؤلف را به معنای تام قبول ندارم.

■ دکتر سنگری: اگر کسی این نظریه را بپذیرد باید بگوید جهان یک متنی است که مؤلف آن مُرده است و با آن باور زندگی کند.

■ دکتر کوثری: یک کتاب کوتاه و خوبی از اوامبرتو اکو است به نام اعترافات رمان‌نویس جوان یا چگونه می‌توان نویسنده شد^۲، از دوستان خواهش می‌کنم اگر این کتاب را نخوانده‌اند حتماً بخوانند.

۱. رولان بارت (۱۹۱۵-۱۹۸۰ م) یکی از چهره‌های تثبیت شده نقد ادبی مدرن است.

۲. اعترافات رمان‌نویس جوان، اوامبرتو اکو، ترجمه رضا علیزاده، تهران: روزنه، ۱۳۹۷.



در این کتاب اکو طریقه نویسندگی اش را به خوبی توضیح می دهد. به عبارتی خلق جهانش را توصیف می کند. برای همین اگر داستان های اکو را خوانده باشید تقریباً دایرةالمعارفی از کتاب های دیگر است. یعنی در کتابش درباره ذره بینی از یک کتاب عربی حرف زده تا کتاب های عصر فرانسیس بیکن و... اما چیزی که این اجزای پراکنده را به هم پیوند داده و اکو را به شهرت رسانده جهانی است که او پدید آورده است. مثلاً در آونگ فوکو^۱ می گوید من برای این که این داستان را بنویسم فلان خیابان پاریس رفتم و آن را متر کردم و زمانش را اندازه گرفتم و وقتی در داستانم می گویم مسافت آن خیابان ده دقیقه است دقیقاً همان زمان برایش کافی است. بنابر این من معتقدم که خواننده به اکو کمک می کند تا متن جهانش تولید شود، ولی خالقش خود نویسنده است. او آن جهان را پایه گذاری

۱. آونگ فوکو، اومبرتو اکو، ترجمه رضا علیزاده، تهران: روزنه، ۱۴۰۰.

می‌کند و آن را ادامه می‌دهد. حال هر قدر آن جهان منطق خاص خودش را داشته باشد و از نویسنده‌اش جدا بشود، پایداری‌اش بیشتر خواهد بود. جهان حافظ جهانی است که شاعر آن را به وجود آورده اما وقتی وارد آن دنیا می‌شویم دیگر حافظ را نمی‌بینیم چون آن اثر منطق خاص خودش را دارد. بنابر این به نظرم ایده مرگ مؤلف را باید محدود کرد و در نقدهای ادبی نیز به آن به‌طور محدود میدان داد و بیشتر به خلاقیت و ایجاد تصور نویسنده ارزش نهاد.

دکتر سنگری: بسیار ممنون و سپاسگزارم از دوستان عزیز که شکیبایی ورزیدند و هم‌دلی و همراهی کردند به‌ویژه از سخنرانان عزیز صمیمانه سپاسگزاریم. ان شاء الله این نشست‌ها ادامه خواهد داشت و به اطلاع دوستان خواهد رسید. خدا را به شما می‌سپارم، ان شاء الله که سلامت و موفق باشید. خدا یارتان.

منابع

آونگ فوگو، اومبرتو اکو، ترجمه رضا علیزاده، تهران: روزنه، ۱۴۰۰ ش.
آیین سکندری، عبدالحسین میرزا آقاخان کرمانی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۹۰ ش.

اعترافات رمان‌نویس جوان، اومبرتو اکو، ترجمه رضا علیزاده، تهران: روزنه، ۱۳۹۷ ش.

اعیان الشیعه، سید محسن عاملی، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ ق.

افسون‌زدگی جدید: هویت چهل‌تکه و تفکر سیار، داریوش شایگان، ترجمه فاطمه ولیانی، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۸۰ ش.
امل‌الامل، محمد بن حسن حر عاملی، نجف اشرف: بی‌نا، ۱۴۰۴ ق.
«بحران هویت ملی و قومی در ایران»، احمد اشرف، ایران‌نامه، سال دوازدهم، شماره سوم، ۱۳۷۳ ش.

تاریخ اشکانیان (دُرُ التیجان فی تاریخ بنی الاشکان)، محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، به‌کوشش: نعمت احمدی، تهران: اطلس، ۱۳۷۱ ش.

تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، سید ظهیرالدین مرعشی، به اهتمام برنهارد دارن و مقدمه یعقوب آژند، تهران: نشر گستره، ۱۳۶۳ ش.

«تلقی قدما از وطن»، محمدرضا شفیعی کدکنی، الفبا، ج ۲، ۱۳۵۲ ش.

جامعه‌شناسی ادبیات، دایانا تی. لارنسون و آلن سوئینگ‌وود، ترجمه شاپور بهیان، تهران: سمت، ۱۳۹۹ ش.

جنبش‌های دینی ایرانی در قرن‌های دوم و سوم هجری، غلامحسین صدیقی، تهران، پازنگ، ۱۳۷۲ ش.

جنگ دوست‌داشتنی (خاطرات سعید تاجیک)، تهران: سوره مهر، ۱۳۹۷ ش.

خزائن، ملا احمد نراقی، تصحیح علامه حسن حسن‌زاده آملی، تهران: انتشارات قیام، ۱۳۸۰ ش.

دانشنامه جهان اسلام، ج ۲۷، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۹۸ ش.

دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۱ ش.

دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۲، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳ ش.

دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۹، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۰ ش.

راحة الصدور و آية السرور در تاريخ آل سلجوق، محمد بن علی بن سلیمان راوندی، محمد اقبال، تهران: علمی، ۱۳۶۳ ش.

رازدانی و روشنفکری و دینداری، عبدالکریم سروش، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۱ ش، ص ۸۵-۱۳۷.

سلسله‌های اسلامی، کلیفورد ادموند بوسورث، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹ ش.

«سه فرهنگ»، رازدانی و روشنفکری و دینداری، عبدالکریم سروش، تهران: صراط، ۱۳۷۱ ش.

سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ (۳ ج)، حاجی‌زین‌العابدین مراغه‌ای، به‌کوشش م.ع. سپانلو، چاپ هشتم، تهران: آگه، ۱۴۰۱ ش.

سیرت جلال‌الدین منکبرنی، شهاب‌الدین محمد خرندزی زیدری نسوی، به تصحیح مجتبی مینوی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴ ش.

شاهنامه، فردوسی، از روی چاپ مسکو، به‌کوشش و زیر نظر سعید

- حمیدیان، تهران: قطره، ۱۳۷۶ ش.
- شعوبیه (پیدایش و اهمیت آن در سده‌های نخستین اسلامی)، زهره خسروی، تهران: انتشارات دکتر محمود افشار، ۱۴۰۰ ش.
- گنج حکمت یا احادیث منظوم، محمد باقری بیده‌ندی، قم: کتابفروشی و نشر روح، ۱۳۶۳ ش.
- لغت‌نامهٔ دهخدا، ج ۱۳، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: مؤسسهٔ لغت‌نامهٔ دهخدا، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.
- ما و مدرنیته (ویراست ۲)، داریوش آشوری، تهران: مؤسسهٔ فرهنگی صراط، ۱۳۸۴ ش.
- مجم‌التواریخ و القصص، به تصحیح محمدتقی بهار ملک‌الشعرا و ویراستاری علی اصغر عبداللہی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸۳ ش.
- مستدرک سفینه البحار، علی نمازی شاهرودی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی لجماعة المدرسين بقم المشرقة، ۱۴۱۹ ق.
- مشکله هویت ایرانیان امروز، ایفای نقش در عصر یک تمدن و چند فرهنگ، فرهنگ رجایی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۵ ش.
- المعجم فی آثار ملوک العجم، فضل‌الله شرف‌الدین قزوینی، به‌کوشش: احمد فتوحی‌نسب، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.
- میزان الحکمة، محمدری شهری، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۵ ش.
- نامهٔ خسروان (داستان پادشاهان پارس)، از آغاز تا پایان ساسانیان، با تصاویر تاریخی، جلال میرزا قاجار، تهران: پازینه، ۱۳۹۸ ش.
- نظام‌التواریخ، قاضی ناصرالدین بیضاوی، به‌کوشش میرهاشم محدث، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۲ ش.
- «هویت ایرانی»، احمد اشرف، فصل‌نامهٔ گفت‌وگو، شمارهٔ ۳، ۱۳۷۳ ش.
- هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی، احمد اشرف، ترجمه و تدوین حمید احمدی، تهران: نشر نی، ۱۳۹۵ ش.
- هویت ایرانی و زبان فارسی، شاهرخ مسکوب، تهران: باغ آینه، ۱۳۷۳ ش.

فهرست اعلام

- آ
 آدم (ع)/۶۱
 آژند، یعقوب/۵۹
 آشوری، داریوش/۴۸، ۴۷
 آقاخان کرمانی، عبدالحسین میرزا/۶۶
 آگه (انتشارات)/۴۴
 آل احمد، جلال/۳۳
 آل بویه/۵۶
 آلیگه‌ری، دانتیه/۲۹
 آمریکا/۲۶
 آن (انتشارات)/۱۲
 آونگ فوکو (کتاب)/۷۳
 آوینی/۷۰، ۳۴، ۳۳
 آیرونی/۳۳، ۳۲
 آیین سکندری (کتاب)/۶۶
- ایران (مقاله)/۴۰
 ادبیات جنگ و موج نو (مباحثی
 پیرامون روش شناختی نقد ادبیات
 جنگ در ایران) (کتاب)/۱۳
 ادبیات داستانی جنگ در ایران
 (کتاب)/۳۹
 ازبک/۶۲
 استادسیس/۵۶
 استانبول (شهر)/۲۸، ۲۹
 استانبول (کتاب)/۲۸
 اسفراینی، ابوالحسن/۵۸
 اسفندیار/۱۹
 اسکندر/۵۴
 اسلامی ندوشن/۷۱
 اشتاین‌بک، جان/۲۶
 اشرف، احمد/۴۷، ۵۱، ۵۲، ۵۹
 اشکانیان/۵۲، ۵۳، ۵۴
 اطلس (انتشارات)/۶۶
 اطلس ایران: اجتماعی - اقتصادی و
 فرهنگی (کتاب)/۱۲
 اعترافات رمان‌نویس جوان یا چگونه
- الف
 احمدی، حمید/۴۷، ۵۱، ۵۲
 احمدی، نعمت/۶۶
 ادبیات جنگ و تعابیر دیگر آن در

۸۰ | هویت ملی، زبان و ادب فارسی: نشست دوم

- می‌توان نویسنده شد (کتاب)/ ۷۲
اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان/ ۶۶
اعراب بنی تمیم/ ۵۶
اعیان الشیعه (کتاب)/ ۶۳
افروغ، عماد/ ۴۸
افسون زدگی جدید: هویت چهل تکه
و تفکر سیار (کتاب)/ ۴۸
اقبال، محمد/ ۵۹
اکبری، محمدعلی/ ۴۸
اکو، اومبرتو/ ۷۳، ۷۲
القبای (کتاب)/ ۶۳
امام حسین (ع)/ ۶۴
امپراتوری ساسانی/ ۶۲
امپراتوری عثمانی/ ۲۹، ۲۸
امپراتوری‌های پارسی یا پارتی/ ۵۳
امل‌الامل (کتاب)/ ۶۳
انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
(انتشارات)/ ۶۶
انجمن اولیا و مربیان (انتشارات)/ ۴۷
انجمن مطالعات فرهنگی و
ارتباطات/ ۱۱
اندیشه‌های ادبیات پایداری/ ۸، ۹، ۱۵، ۱۸
انقلاب اسلامی، جامعه و دولت
(مقاله‌ای در جامعه‌شناسی سیاسی
ایران) (کتاب)/ ۱۲
ان‌کیم، جا/ ۱۲
انوری/ ۶۰
اورخان (اورهان) پاموک، فرید/ ۲۸
ایران/ ۱۶، ۲۸، ۳۰، ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۴۹، ۵۰،
۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹،
۶۰، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹
- ایران آرتشتار/ ۵۴
ایران دبیرد/ ۵۴
ایران‌شهر/ ۵۴
ایران‌نامه (مجله)/ ۴۷
ایرج/ ۵۷
ایلخانان مغول/ ۵۲، ۶۰، ۶۹
- ب**
بابک خرم‌دین/ ۵۶
بارت، رولان/ ۷۲
بازاندیشی در فرهنگ مردم‌پسند
(کتاب)/ ۱۳
بازرگان، مهدی/ ۶۸
بازنمایی تنازع سرزمین مادری و
سرزمین دیگری در ادبیات داستانی
مهاجرت (مقاله)/ ۴۰
باستان‌گرایی در تاریخ معاصر ایران
(کتاب)/ ۴۷
باغچه‌بان، ثمین/ ۲۸
باقری پیدهندی، محمد/ ۶۳
بانک ملی/ ۶۵
بحران هویت ملی و قومی در ایران
(مقاله)/ ۴۷
برف (کتاب)/ ۲۸
بشیری، محمود/ ۱۶، ۱۷
بلعمی، ابوالفضل/ ۵۶
بلعمی، ابوعلی/ ۵۶
بنگاه پروین (انتشارات)/ ۳۱
بنگاه ترجمه و نشر کتاب
(انتشارات)/ ۵۹
بنیاد دایرةالمعارف اسلامی/ ۵۶
بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار/ ۶۱

پیدایش ناسیونالیسم ایرانی، نژاد و سیاست بی‌جاسازی (کتاب)/ ۴۸

ت

تاجیک، محمدرضا/ ۱۲
تاریخ اشکانیان (دُرّ التیجان فی تاریخ بنی‌الاشکان) (کتاب)/ ۶۶
تاریخ بلعمی (کتاب)/ ۵۷
تاریخ طبرستان و رویان و مازندران (کتاب)/ ۵۹

تاریخ طبری (کتاب)/ ۵۷
تبارشناسی هویت جدید ایرانی؛ عصر قاجار و پهلوی اول (کتاب)/ ۴۸
تبیین جریان‌شناختی ادبیات سیاسی در ایران معاصر (مطالعه موردی: ادبیات داستانی سیاسی در مهاجرت)/ (مقاله)/ ۴۰

تبیین جریان‌شناختی داستان‌نویسی زنان ایرانی در مهاجرت (مقاله)/ ۴۰
تحلیل توصیفی اقلیم یا شهرهای جنوب در ادبیات داستان جنگی (مقاله)/ ۴۰

ترکیه/ ۲۸، ۲۹، ۳۱
تسخیر تمدن‌فرنگی (کتاب)/ ۴۷
تلقی قدما از وطن (مقاله)/ ۶۳
تمدن ایرانی (انتشارات)/ ۴۸

تندرو صالح، شاهرخ/ ۱۳
تفیز و تکوین هویت ایرانی (کتاب)/ ۴۷

تهران از چشم اندازهای فرهنگی اجتماعی: برنامه‌ریزی برای ترسیم چشم‌اندازهای فرهنگی و اجتماعی

بورژل، گی/ ۱۲
بهار (ملک الشعرا)، محمدتقی/ ۵۹
بهرنگی، صمد/ ۲۸
بهروز (انتشارات)/ ۳۳
بهیان، شاپور/ ۴۳
بیروت/ ۶۳
بیضای، قاضی ناصرالدین/ ۶۱، ۶۲
بیکن، فرانسیس/ ۷۳
بیگللو، رضا/ ۴۷
بیله دیگ بیله چغندر (داستان)/ ۳۱

پ

پارت‌ها/ ۵۴
پاریس/ ۷۳
پازینه (انتشارات)/ ۶۶
پاژنگ (انتشارات)/ ۵۶
پخمه (کتاب)/ ۲۸
پرسیا/ ۶۷
پژوهش زبان و ادبیات فارسی (فصلنامه)/ ۴۰
پژوهش سیاست نظری (نشریه)/ ۴۰
پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی/ ۴۰
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی/ ۲۰، ۳۹، ۴۱، ۴۷
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی/ ۱۶، ۲۱، ۴۷
پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت ارشاد/ ۱۱
پلی‌فونی/ ۳۲
پیامبر اکرم (ص)/ ۶۳

- تهران آینده (مقاله) / ۱۳
تهران / ۱۲، ۱۳، ۲۹، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۴۰، سینمایی / ۲۶
۴۳، ۴۴، ۴۷، ۴۸، ۵۶، ۵۷، ۵۹، ۶۱، ۶۳، ۶۶، ۷۱، ۷۲، ۷۳
تیر (انتشارات) / ۲۹
- ح
حافظ / ۷۴
حجاز / ۶۳
حداد عادل، غلامعلی / ۵۶
حر عاملی، محمد بن حسن / ۶۳
حسن زاده آملی، حسن / ۶۳
حسین لی، رسول / ۱۲
حسینی بهشتی، سیدعلیرضا / ۱۲
حقیقت، سیدصادق / ۱۲
حکومت پهلوی / ۴۹، ۶۷، ۶۹
حملة اعراب به ایران / ۵۴، ۵۹، ۶۰
حمیدیان، سعید / ۵۷
حوزه هنری انقلاب اسلامی / ۸، ۲۱، ۳۲، ۳۴
- خ
خاطرات یک مرده (کتاب) / ۲۸
خاقانی / ۶۰
خاندان بلعمی / ۵۶
خاندان جیهانی / ۵۶
خجند / ۶۱
خراسان / ۵۶
خرندزی زی‌داری نسوی، شهاب‌الدین محمد / ۵۹
خزائن (کتاب) / ۶۳
خلفای راشدین / ۶۱
خوشه‌های خشم (کتاب) / ۲۶
- ج
جامعه‌شناسی ادبیات (کتاب) / ۴۳
جایزه اسکار / ۲۶
جایزه کتاب سال دفاع مقدس / ۳۹
جایزه نوبل / ۲۸
جبهه ملی / ۶۸
جریان‌شناسی ادبیات داستانی
مهاجرت ایرانی (مقاله) / ۴۰
جشن‌های دوهزار و پانصدساله / ۶۷
جلال میرزا قاجار / ۶۶
جمال زاده، محمدعلی / ۳۱، ۳۳
جنبش‌های دینی ایرانی در قرن‌های دوم و سوم هجری (کتاب) / ۵۶
جنگ دوست داشتنی (خاطرات سعید تاجیک) (کتاب) / ۷۱
جوزجانی / ۵۸
جویندگان (فیلم سینمایی) / ۲۶
جهان ایرانی و ایران جهانی (کتاب) / ۴۸
جیحون / ۶۱، ۶۲
- چشمه (انتشارات) / ۱۳

- د
دارالتعارف للمطبوعات (انتشارات) / ۶۳
دارالحديث (انتشارات) / ۶۳
دارن، برنهارد / ۵۹
دانشگاه امام صادق / ۱۳
دانشگاه تربیت مدرس / ۱۱
دانشگاه تهران / ۱۱
دانشگاه علامه طباطبائی / ۱۶
دانشگاه کاشان / ۳۹
دانشنامه بین‌المللی ارتباطات (کتاب) / ۱۳
دانشنامه جهان اسلام (کتاب) / ۵۶
داور، علی‌اکبر / ۶۸
دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۲ (کتاب) / ۵۶
دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۹ (کتاب) / ۵۶
درآمدی بر موسیقی مردم‌پسند (کتاب) / ۱۳
در خدمت و خیانت روشنفکران (کتاب) / ۳۳
دریچه‌نو (انتشارات) / ۱۳
دفتر تحقیقات کاربردی معاونت پژوهشی دانشگاه تهران / ۱۱
دلیجان (فیلم سینمایی) / ۲۶
دنیای کتاب (انتشارات) / ۵۹، ۶۶
دوبونالد، لویی / ۴۳
دوره اوستایی / ۵۲
دولت‌آبادی، محمود / ۳۴
دین و هویت (کتاب) / ۴۸
دیوانیان / ۵۶
- ر
راحة الصدور و آية السرور در تاریخ آل سلجوق (کتاب) / ۵۹
رازدانی و روشنفکری و دینداری (کتاب) / ۴۸، ۴۷، ۷۶
راوندی، محمد بن علی بن سلیمان / ۵۹
ربانی، جعفر / ۴۷
رجایی، فرهنگ / ۴۸، ۴۷
رستم / ۱۹
رضاشاه / ۶۷
رضایی، سیده نرگس / ۴۰
رواق (انتشارات) / ۳۳
روزنه (انتشارات) / ۴۷، ۷۲، ۷۳
روس / ۶۴
رویکردهای عمده ادبیات داستانی جنگ (۱۳۸۴ - ۱۳۵۹) (کتاب) / ۴۰
رهیافت و روش در علوم سیاسی (کتاب) / ۱۲
ری‌شهری، محمد / ۶۳
- ز
زرین‌کوب / ۶۹، ۷۱
- س
سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران / ۱۳
سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) (انتشارات) / ۱۲
ساسانی، اردشیر / ۵۲
ساسانیان / ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۷، ۵۸

۸۴ | هویت ملی، زبان و ادب فارسی: نشست دوم

- ۶۰، ۶۱، ۶۲ شاهنامه (کتاب) / ۱۷، ۱۹، ۲۹، ۵۷، ۶۱
 سالار ملی / ۶۵ شاهنشاه ایران و ایران / ۵۴
 سامانیان / ۱۷، ۵۱، ۵۵، ۵۶، ۵۷ شایگان، داریوش / ۴۸، ۴۷
 سبزواری / ۳۴ شجری، رضا / ۴۰
 سبکتگین / ۵۸ شرف‌الدین قزوینی، فضل‌الله / ۶۶
 سپانلو، م.ع. / ۴۴ شریعتی، علی / ۶۸، ۶۹
 سردار ملی / ۶۵ شعوبیه / ۵۶
 سروش، عبدالکریم / ۴۷، ۴۸، ۶۸ شفیع‌خانی، شهناز / ۱۳
 سعیدی، مهدی / ۱۵، ۲۰، ۲۱، ۳۹، ۴۰ شفیع کدکنی، محمدرضا / ۶۳، ۶۴
 سلجوقیان / ۵۲، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۹ ۷۲
 سلمان (انتشارات) / ۱۲، ۱۳ شودسون، مایکل / ۱۳
 سمت (سازمان مطالعه و تدوین شورای سیاست‌گذاری روابط
 کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها) عمومی و اطلاع‌رسانی / ۱۲
 (انتشارات) / ۱۲، ۴۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی / ۱۱
 سمیعی، عنایت / ۱۳ شورای عالی سیاست‌گذاری و
 سنایی / ۶۰ برنامه‌ریزی جشنواره‌های فرهنگی،
 سنگری، محمدرضا / ۹، ۱۵، ۳۵، ۶۹، قرآنی و رسانه‌ای / ۱۲
 ۷۱، ۷۲، ۷۴ شهبازی، شاپور / ۵۱، ۵۲
 سوئینگ‌وود، آلن / ۴۳ شهر تهران (انتشارات) / ۱۳
 سورة مهر (انتشارات) / ۷۱ شهر و خاطرات (کتاب) / ۲۸
 سه فرهنگ (مقاله)، ۴۸، ۷۶ شیخاوندی، داور / ۴۷
 سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ (کتاب) / ۴۴
 سیاسی، علی اکبر / ۶۸
 سیرت جلال‌الدین منکبرنی (کتاب) / ۵۹
 سیمای سیاسی، اجتماعی و دینی
 داستان‌نویسی جنگ (کتاب) / ۴۰
- ص**
 صدیقی، غلامحسین / ۵۶
 صراط (انتشارات) / ۴۸
 صفاریان / ۵۱، ۵۵، ۵۶، ۶۱
 صفویان / ۵۲، ۵۵، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۹
- ض**
 ضیاء ابراهیمی، رضا / ۴۸
- ش**
 شادمان، سیدفخرالدین / ۴۷
 شاملو، احمد / ۲۸
 شاه عباس / ۶۴

ط

طالقانی، محمود/ ۱۲
طاهریان/ ۵۱، ۵۵، ۵۶، ۶۱

ق

قاجاریه/ ۶۶
قبادی، حسینعلی/ ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹،
۲۹

ع

عاملی، سید محسن/ ۶۳
عبداللهی، علی اصغر/ ۵۹
عثمانی/ ۶۲
علمی و فرهنگی (انتشارات)/ ۱۲،
۵۹، ۴۸

ک

کاجی، حسین/ ۴۷
کاربرد تحلیل عاملی در پژوهش
اجتماعی (کتاب)/ ۱۲
کاشیگر، مدیا/ ۱۳
کانت، امانوئل/ ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵
کتابخانه دانشکده علوم اجتماعی
دانشگاه تهران/ ۱۱

غ

غرب زدگی (کتاب)/ ۳۳
غزنویان/ ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۶۱
غزنوی، محمود/ ۵۸

ف

کتابفروشی و نشر روح (انتشارات)/
۶۳
کتاب ماه ادبیات (نشریه)/ ۴۰
کلیدر (کتاب)/ ۳۴
کمدی الهی (کتاب)/ ۲۹
کوثری، مسعود/ ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۲۰،
۲۱، ۳۵، ۷۰، ۷۲
کویر (انتشارات)/ ۱۲
کیستی ما از نگاه روشنفکران ایرانی
(کتاب)/ ۴۷

فارس/ ۵۵

فتوحی نسب، احمد/ ۶۶
فرا/ ۶۱، ۶۲
فرخی/ ۵۸

فردوسی/ ۱۷، ۲۹، ۵۷
فرزان روز (انتشارات)/ ۴۷، ۴۸
فرغانی، سیف/ ۶۰
فرهادپور، مراد/ ۱۳
فرهنگسرای پایداری/ ۱۳
فرهنگ معاصر (انتشارات)/ ۳۴
فضل الله، رشیدالدین/ ۶۲
فورد، جان/ ۲۶

گ

گام نو (انتشارات)/ ۴۷
گستره (انتشارات)/ ۵۹

- گفتگو (مجله) ۴۷/ مرکز موسیقی حوزه هنری/ ۱۲
 گلی، علی/ ۱۲/ مستدرک سفینه البحار (کتاب)/ ۶۳
 گنج حکمت یا احادیث منظوم مستوفی، حمدالله/ ۶۲
 (کتاب)/ ۶۳ مسعودی/ ۵۷
 مسکو/ ۵۷
- ل
 لارنس، دایانا تی./ ۴۳
- م
 ما و مدرنیت (کتاب)/ ۴۸، ۴۷/ مادها/ ۵۴
 مازیار/ ۵۶
- مبانی هویت ایرانی (کتاب)/ ۴۸/ متینی، جلال/ ۴۷
 مجلس شورای ملی/ ۶۵ مجلسی/ ۶۴
 مجمل التواریخ والقصص (کتاب)/ ۵۹
- مجموعه مقالات مبانی نظری هویت و بحران هویت در ایران (کتاب)/ ۴۷
 مجموعه مقالات هویت در ایران (کتاب)/ ۴۷
 محدث، میرهاشم/ ۶۱
 مراغه‌ای، زین العابدین/ ۴۴
 مردآرام (فیلم سینمایی)/ ۲۶
 مردی که لیبی‌تی والانس را کشت (فیلم سینمایی)/ ۲۶
 مرعشی، سیدظهرالدین/ ۵۹
 مرکز (انتشارات)/ ۴۸، ۴۷/ مرکز بازشناسی اسلام و ایران (انتشارات)/ ۴۷
 مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی/ ۵۶
- مشروطه/ ۴۶، ۴۴، ۴۹، ۶۶، ۶۷ مشکله هویت ایرانیان امروز، ایفای نقش در عصر یک تمدن و چند فرهنگ (کتاب)/ ۴۸، ۴۷
 مصر/ ۶۳
 مطهری، مرتضی/ ۶۸
 المعجم فی آثار العجم (کتاب)/ ۶۶
 معزی، امیر/ ۶۰
 معین (انتشارات)/ ۱۲
 مقدسی/ ۵۷
 المقنع/ ۵۶
 منصورنژاد، محمد/ ۴۸
 منوچهری/ ۵۸
 منوچهری، عباس/ ۱۲
 مهدوی دامغانی، احمد/ ۲۹
 مهدوی دامغانی، فریده/ ۲۹
 موزة معصومیت (کتاب)/ ۲۸
 مؤسسه دانش و پژوهش ایران/ ۴۸
 مؤسسه مطالعات آمریکای شمالی و اروپا/ ۱۱
 مؤسسه نشر شهر/ ۱۳
 مؤسسه النشر الاسلامی لجماعة المدرسين بقم المشرق (انتشارات)/ ۶۳
 موسوی بجنوردی، کاظم/ ۵۶
 موکرجی، چاندرا/ ۱۳

- مولر، چارلز و/ ۱۲ نقد ادبی (فصلنامه) / ۴۰
مؤلفه‌های هویت ملی در ایران نوح (ع) / ۶۱
میرعابدینی، حسن / ۱۳ نی (انتشارات) / ۴۸، ۴۷، ۵۱
میزان الحکمه (کتاب) / ۶۳ نیولی، جرارد و / ۵۱، ۵۲، ۵۳
- و
میمندی / ۵۸ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی / ۱۱
مینوی، مجتبی / ۵۹ ولیانی، فاطمه / ۴۸
- ن
ناصرالدین شاه / ۴۴ هـ
نام من سرخ (کتاب) / ۲۸ هالیوود / ۲۶
نامه خسروان (داستان پادشاهان هخامنشیان / ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۶۷
پارس، از آغاز تا پایان ساسانیان، با هدایت، صادق / ۳۱
تصاویر تاریخی (کتاب) / ۶۶ هرستفلد، ارنست / ۶۷
نامه فرهنگستان (نشریه) / ۴۰ هگل، گئورگ ویلهلم فریدریش / ۲۲
نجاتی حسینی، سید محمود / ۱۲، ۱۳ ۲۳، ۲۴، ۲۵
نجف اشرف / ۶۳ همراه، رضا / ۲۸
نراقی، ملا احمد / ۶۳ هند / ۵۸، ۶۲
نسین، عزیز (محمد نصرت) / ۲۸ هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی (کتاب) / ۵۱، ۵۲، ۶۲
نشانه‌شناسی موسیقی مردم‌پسند هویت ایرانی (کتاب) / ۴۸
(مقاله) / ۱۱ هویت ایرانی و زبان فارسی (کتاب) / ۴۷
نصری، قدیر / ۴۸ هویت چهل‌تکه و تفکر سیار
نظام التواریخ (کتاب) / ۶۱ (کتاب) / ۴۷
نظام‌الملک / ۵۶ هویت ملی (کتاب) / ۴۷
نظامی / ۶۰ هویت ملی (مقاله) / ۴۷
نظریه‌های آئومی اجتماعی (کتاب) / ۱۳ هویت و قومیت در ایران (کتاب) / ۴۷
- ی
نقاب نقد: چپستی نقد ادبی در ایران، ی
در گفت و گو با کریستف بالایی یارشاطر، احسان / ۴۷
(کتاب) / ۱۳

۸۸ | هویت ملی، زبان و ادب فارسی: نشست دوم

یازدهم سپتامبر و چالش‌های جهانی یکی بود، یکی نبود (کتاب) / ۳۱
(کتاب) / ۱۲
یزدگرد سوم / ۵۸